

## پیوندهای قدرت و کجروی الگوی تلفیقی بر اساس آموزه‌های قرآنی

علی سلیمی\*

### چکیده

این تحقیق، پیوندهای قدرت و کجروی و بزه‌دیدی را - که محوری عمده در نظریه قرآنی کجروی است - بررسی می‌کند و گامی از یک طرح پژوهشی است که هدف را تدوین نظریه اجتماعی متون مقدس اسلامی درباره کجروی می‌داند. یافته‌ها نشان می‌دهند که قرآن در تحلیل این پیوندها، ۳۱ متغیر را از سطوح مختلف تحلیل، مطرح نموده است. و این متغیرها را در سه محور زمینه‌ها و متغیرهای اثرگذار و میانجی، تلفیق و روابط آنها را با نگاهی جامع و نظام‌مند و تفصیلی مناسب بررسی کرده است. این تحلیل با فرهنگ جامعه اسلامی همخوانی دارد. در قالب یک الگوی نظری ارائه می‌شود. و شناخت‌های تازه‌ای را درباره موضوع عرضه می‌کند. روش تحقیق توانسته است ضوابط تفسیر متن در علوم اسلامی و اجتماعی را رعایت کند. و به فهمی از فرازهای قرآنی برسد که در این علوم، دارای روایی است.

واژگان کلیدی: نظریه تلفیقی (قرآنی کجروی، تحلیل محتوای کیفی (قیاسی)، (تفسیر شیعی) آموزه‌های قرآنی، قدرت (بی‌قدرتی)، کجروی، بزه‌دیدی.

## ۱. مسئله

قدرت به معنی کنترل نسبی بر منابع سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی است که به صاحبان آن - که در ادامه، با تعبیر واجدان از آنها یاد می‌شود - فرصت، توان و ابزار کافی می‌دهد تا نگرش‌ها و کنش‌های دیگران را تغییر دهند. و آنها را، با مزاحمت و دخالت کمتر، به انجام خواست‌ها و هدف‌هایشان وادارند. این مؤلفه‌ها، طبیعت دوگانه‌ای به قدرت بخشیده و آن را در بسیاری از رشته‌های علوم اجتماعی به مفهومی بنیادی بدل کرده است (کلینارد و می‌یر، ۲۰۱۰، ص ۱۳؛ کرولانسکی و هیگینز، ۲۰۰۷، ص ۶۸۵؛ کریمی، ۱۳۷۳، ص ۱۰۵-۱۰۶؛ توسلی، ۱۳۶۹، ص ۴۲۳).

جایگاه امروزی قدرت و مناسبات آن در نظریه‌های اجتماعی، عمدتاً وادار حوزه تضاد است که آن را دارای نقشی محوری در روابط اجتماعی می‌داند. و این نقش را در محورهای زیر، ترسیم می‌کند: توان برآوردن خواست‌ها، ربایش منافع و تعریف و کنترل دیگران. این حوزه، مناسبات قدرت را در سازمان همه ساختارها و روابط اجتماعی - خانواده، محیط کار، تفاوت‌های جنسیتی و نژادی و حتی تعریف جرم و محکومیت‌های جزایی - حاضر می‌بیند. کج‌روی را محصول قدرت و نابرابری اجتماعی می‌داند. و برای فهم آن، عناصر زیر را بررسی می‌کند: کنش‌های واجدان در تعریف و اعمال نظم اجتماعی، فزون‌خواهی‌ها و جرم‌های آنها، (جرم‌انگاری) کنش‌های فاقدان درون ساختارها و فشارهای جامعه طبقاتی و جرم‌ها و بزه‌دیدگی‌های آنان (سیجل، ۲۰۱۱، ص ۲۶۸-۲۷۰؛ کلینارد و می‌یر، ۲۰۱۰، ص ۸۱-۸۲؛ هیوارد و دیگران، ۲۰۱۰، ص ۱۶۵؛ تی‌یرنی، ۲۰۰۹، ص ۵۷-۶۴؛ وایت و هینز، ۱۳۹۰، ص ۲۱۰-۲۱۷). به همین شکل، قدرت به‌عنوان عنصری اساسی در فرایند نفوذ اجتماعی در حوزه روان‌شناسی اجتماعی مورد توجه است. و آثار آن در تغییر نگرش و کنش افراد مورد مطالعه قرار می‌گیرد (باومیس‌تر و وُس، ۲۰۰۷، ص ۶۸۹-۶۹۱؛ کرولانسکی و هیگینز، ۲۰۰۷، ص ۶۷۸-۶۸۲).

قدرت، ویژگی‌های آن و نقشی که در روابط اجتماعی - به‌ویژه در تعریف و شکل‌گیری کج‌روی و بزه‌دیدگی - دارد، به شکلی گسترده، مورد توجه آیات قرآن است؛ به شکلی که می‌شود مناسبات قدرت و کج‌روی و بزه‌دیدگی را از محورهای اصلی نظریه قرآنی کج‌روی دانست. از این رو، بررسی این مناسبات از نگاه قرآن، بخشی از آن نظریه را آشکار می‌کند. و گامی در مسیر توان‌سنجی متون مقدس اسلامی به‌عنوان منبعی برای مطالعات اجتماعی است. همچنین، از آنجا که در نظام کنترل اجتماعی اسلامی، شناخت عوامل مؤثر بر کج‌روی و بزه‌دیدگی و مکانیسم‌های تأثیر آنها شالوده‌تدوین راهکارهاست، این بررسی مقدمه مهمی برای شناسایی تدابیر کنترلی نسبت‌پذیر به این نظام است.

## ۲. هدف‌ها، پرسش‌ها و روش تحقیق

با توجه به نکات بالا، این تحقیق هدف‌های کلی زیر را داشته است: فهم پاسخ‌های قرآن به پرسش‌های علوم اجتماعی دربارهٔ مناسبات قدرت و کج‌روی و بزه‌دیدگی، ارائهٔ شناخت‌هایی از این مناسبات به مطالعات اجتماعی که با فرهنگ جامعهٔ اسلامی همخوان باشد، و توان‌سنجی گزاره‌های قرآنی در تبیین آنها در قالب نظریه‌ای که معیارهای پذیرش علوم اجتماعی را دارد. همچنین با توجه به روش تحقیق، هدف جزئی، تحلیل محتوای کیفی قرآن و موضوع آن، توصیف نگاه قرآن در تبیین مناسبات قدرت و کج‌روی و بزه‌دیدگی است.

پرسش اصلی تحقیق به شرح زیر است: الگوی نسبت‌پذیر به قرآن در تبیین مناسبات قدرت و کج‌روی چیست؟ این پرسش با توجه به ابعاد مختلفی که گزاره‌های قرآنی در این زمینه ترسیم کرده‌اند به ۳ پرسش، تفکیک شده است:

۱. تحلیل قرآن از اثرگذاری‌های کج‌روانهٔ قدرت در روابط اجتماعی چیست؟

۲. تحلیل قرآن از اثرپذیری‌های قدرت در روابط اجتماعی و متغیرهای مؤثر بر آن چیست؟

۳. تحلیل قرآن از متغیرهای مداخله‌گر (میانجی) در اثرگذاری‌ها و اثرپذیری‌های کج‌روانهٔ

قدرت در روابط اجتماعی چیست؟

روش تحقیق، تحلیل محتوای کیفی است. سطح تحلیل، توصیف و رویکرد اصلی آن، قیاسی است که پرسش‌ها، مقوله‌ها و روابط بین آنها را، به شکل پیشینی و براساس دانش موجود پیرامون موضوع، تدوین می‌کند. و بدین شکل، راه مناسبی برای فهم پاسخ‌های قرآن به پرسش‌های علوم اجتماعی است. هدف این رویکرد، آزمون دوبارهٔ داده‌ها، مقوله‌ها، مفهومی‌ها یا نظریه‌ها یا کاربرد آنها در موقعیت‌های متفاوت و پالایش، گسترش یا غنای نظریه‌هاست (ر.ک: محسنی و سلیمی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۹-۱۴۴). رویکرد استقرایی نیز در مواردی چون شناسایی مقوله‌های جدید یا پالایش مقوله‌های اولیه با این رویکرد، تلفیق شده است (دربارهٔ این تلفیق، ر.ک: فورمن و دمسکرودر، ۲۰۰۸، ص ۴۳). همچنین بازده مورد انتظار از این روش، بیان معنای اطلاعات کیفی در قالب مقوله‌ها یا مضمون‌های پاسخگو به پرسش‌های تحقیق است<sup>۱</sup> (چو و لی، ۲۰۱۴، ص ۱۲).

واحد سنجش، گزارهٔ قرآنی است که از برداشت‌های تفسیری معتبر از فرازهای قرآنی تشکیل می‌شود.<sup>۲</sup> مقوله‌بندی، موضوعی و ناظر به محتوای این گزاره‌ها است. بافت تحلیل، مضمون‌های نظری ماندگار در مطالعات کج‌روی و یافته‌های تجربی مرتبط با آنها است. و چون تحقیق، گامی

۱. این نکته، یک عامل ترجیح تحلیل محتوای کیفی بر نظریهٔ زمینه‌ای است که بازده مورد انتظار از آن را یک نظریه می‌داند. زیرا، مطالعات اولیه نشان می‌دادند نظریهٔ قرآنی، ناظر به سطوح مختلف تحلیل و قلمرو گسترده‌ای از متغیرهای آنهاست؛ به گونه‌ای که امثال این تحقیق که گامی اولیه و محدود در این عرصه‌اند، مجال دستیابی به آن را ندارند.  
۲. همچنین تلاش شده است تا مفاد گزاره‌ها بیانگر قاعدهٔ کدگذاری آیه یا فراز مرتبط از آن باشند.

ابتدایی در قلمرو مورد نظر است، ماتریس تحلیل از محورهای کلی این مضمون‌ها و یافته‌ها تشکیل شده است. پرسش‌ها و مقوله‌ها براساس این ماتریس، تدوین و فرازهای قرآنی در قالب مقوله‌ها کدگذاری و بازچینی شده‌اند. شیوه گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای و ابزار آن، پرسش‌نامه معکوس بوده است.

آیات مرتبط با جستجوی کلیدواژه‌های ناظر به مقوله‌ها، شناسایی و گزینش شده‌اند. روایی این نمونه‌گیری را مراجعه به تحلیل‌های مفسران، تأمین می‌کند. زیرا، شالوده این تحلیل‌ها، توجه به ساختار معنایی کلی، ارتباط ذاتی و قرینه بودن آیات در فهم یکدیگر است (معرفت، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۸۸-۳۰۰؛ مصباح، ۱۳۷۶، ص ۱۰-۱۱؛ رجبی، ۱۳۸۳، ص ۹۱-۱۱۴). و مراجعه به آنها مجال شناسایی و دسترسی به مجموعه اطمینان‌آوری از اطلاعات مرتبط -مخالف، مخصص، مقید یا مکمل- را فراهم می‌کند.<sup>۱</sup> همچنین در فرایند جستجو، ۲۴۱ آیه گزینش شده‌اند. از بین آنها، برداشت‌های ۱۷۴ آیه، پذیرفته شده و کد خورده‌اند. و به ۱۰۹ آیه، به‌عنوان شاهد، استناد شده است.

برای دستیابی به تفسیر معتبر آیات، ابتدا برداشت‌هایی را برگزیده‌ایم که با کمترین مقدمات -لفظی، معنایی، منطقی، تاریخی و...- از فرازهای قرآنی فهم می‌شدند. برداشت‌ها بر منابع تفسیری، عرضه و نظرات مفسران -به‌عنوان آرای کدگذاران- گردآوری شده‌اند. اعتبار نظرات را با معیارهای زیر سنجیده‌ایم: اعتبار مفسر، اینکه به صراحت، بیانگر برداشت مورد نظر باشند و اینکه شمار آرای موافق به حدی باشد که، از نگاه علوم اسلامی، یک دیدگاه تفسیری قابل اتکا محسوب شود. به همین شکل، ابتدا به منابع معتبرتر مراجعه می‌شد.<sup>۲</sup> و اگر آرای آنها برای تأیید برداشت کافی نبودند، منابع دیگر بررسی می‌شدند. این مسیر، برداشت‌ها را از نگاه علوم اسلامی، معتبر می‌سازد. و در علوم اجتماعی، مجوز استنتاج معانی پنهان و معیار روایی تفسیر است (هولستی، ۱۹۶۹، ص ۵۹۸؛ برگ، ۲۰۰۱، ص ۲۴۲-۲۴۳).

۱. در تحلیل محتوای کیفی و نظریه زمینه‌ای، نمونه‌گیری دارای روایی است؛ اگر نمونه‌ها: ۱. قابل اعتماد؛ ۲. حاوی بیشترین اطلاعات درباره پرسش‌های تحقیق باشند؛ ۳. سبب سوگیری پاسخ‌ها نشوند؛ ۴. عمده اطلاعات مرتبط را شامل باشند. به‌شکلی که مواردی که از قلم می‌افتند، تحلیل را ضعیف نکنند (کرپیندورف، ۲۰۰۴، ص ۹۹، ۱۱۲-۱۱۶ و ۳۱۹؛ وایت و مارش، ۲۰۰۶، ص ۳۶؛ فورمن و دمسکرودر، ۲۰۰۸، ص ۴۳). این ویژگی، همچنین یکی از وجوه روایی تفسیرهای قرآن از منظر علوم اسلامی است. چون اطمینان از لحاظ شدن مجموعه اطلاعات یاد شده، یکی از عناصری است که اجازه می‌دهد برداشت مورد نظر را با قطعیت لازم به قرآن نسبت دهیم.

۲. این منابع عبارت بوده‌اند از: التبیان فی تفسیر القرآن (شیخ طوسی)، مجمع البیان... (شیخ طبرسی)، روض الجنان و روح الجنان (ابوالفتوح رازی)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین (ملا فتح الله کاشانی)، الصافی (ملا محسن فیض کاشانی)، المیزان (علامه طباطبایی)، تفسیر نمونه (آیت‌الله مکارم شیرازی و جمعی از اندیشمندان حوزه علمیه قم) و من وحی القرآن (علامه فضل‌الله).

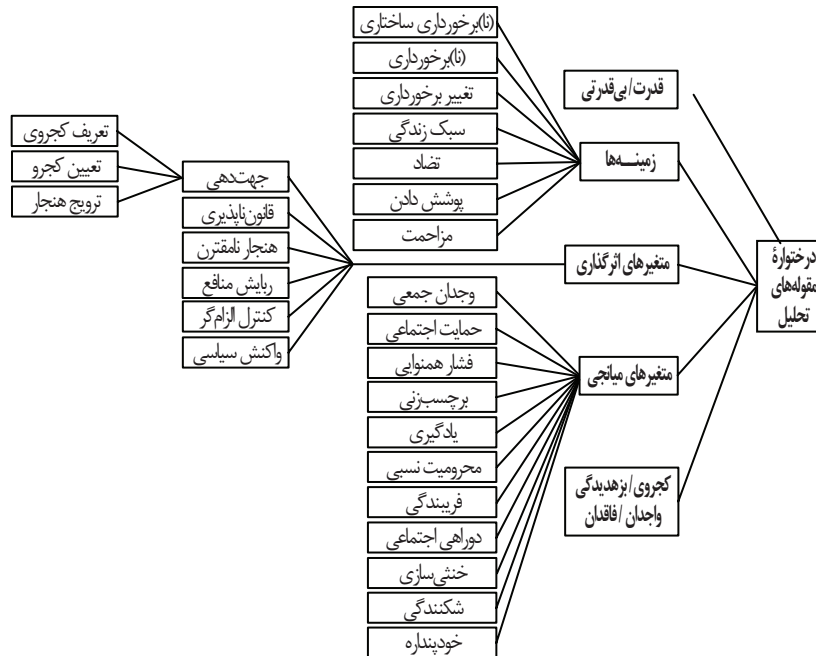
### ۳. چارچوب مفهومی

این تحقیق، ابتدا براساس یافته‌های نظری و تجربی مطالعات کجروی - و عمدتاً دستاوردهای حوزه تضاد- به تدوین مقولات تحلیل پرداخت. اما، کدگذاری اولیه نشان داد که مقوله‌های حاصل آمده، مضمون‌های موجود در آیات قرآن را پوشش نمی‌دهند. لذا مقوله‌ها با مراجعه به قلمرو وسیع‌تری از یافته‌ها بازنگری شدند.<sup>۱</sup> بدین شکل، چارچوب مفهومی به نظریه یا پارادایم خاصی، محدود نشده و این فرض را پذیرفته است که مفهوم‌ها و ایده‌های متعلق به سطوح مختلف تحلیل می‌توانند همگرا بوده و با هم جمع شوند.

مفهوم‌های شناسایی شده در قالب چهار مقوله اصلی، ساماندهی شده‌اند. در مقوله نخست، کجروی‌ها و بزهدیدگی‌های مرتبط با قدرت و بی‌قدرتی، سنجه‌های عملی پیوند قدرت و کجروی و بزهدیدگی‌اند. ذیل مقوله متغیرهای اثرگذاری، شش زیرمقوله جهت‌دهی، قانون‌ناپذیری، هنجار نامقتن، ربایش منافع، کنترل الزام‌گر و واکنش سیاسی، ابعاد تأثیر قدرت در روابط اجتماعی‌اند.<sup>۲</sup> هریک این متغیرها در دو محور، اثرگذارند: زمینه‌سازی کجروی‌ها و بزهدیدگی‌های پیش‌گفته و به‌عنوان یک عنصر تعریف کجروی و تعیین کجرو. با این حال، برای ساده‌سازی الگو و رعایت اختصار، محور دوم در کنار مقوله ترویج هنجار به‌عنوان زیرمقوله‌های جهت‌دهی آمده است. ذیل مقوله زمینه‌ها، متغیرهای کلان، میانه و خردی مورد توجه هستند که بر قدرت و ابعاد حضور و تأثیر آن در روابط اجتماعی، اثر می‌گذارند. و مقوله متغیرهای میانجی، شامل متغیرهایی است که در روابط بین مجموع متغیرهای یاد شده، مداخله دارند. درختواره مقوله‌های اصلی و زیرمقوله‌های آنها در نمودار شماره ۱ و تعریف‌های مقوله‌های تحلیل در ادامه آمده‌اند.

۱. جهت‌دهی: (نقش قدرت در) هدایت و کنترل کنش‌ها، نگرش‌ها، تعریف‌ها، ساختارها و روابط اجتماعی، از جمله با ترویج آگاهی‌های کاذب، تحریف باورها و ارزش‌ها و تحمیل منافع و علائق واجدان بر گروه‌ها، قشرهای بی‌قدرت یا تحت سلطه (تی‌یرنی، ۲۰۰۹، ص ۶۲؛ میلر، ۲۰۰۹، ۱۵۴؛ سیجل، ۲۰۱۱، ص ۲۷۰)؛

۱. مثلاً، تعریف تضادی مقوله قدرت به مفهوم روان‌شناختی اجتماعی آن - یعنی یک متغیر نفوذ اجتماعی - توسعه یافته است.  
 ۲. این مقوله‌ها، در واقع، میانجی‌های تأثیر قدرت‌اند. اما به دلایلی مانند ترسیم دقیق‌تر الگو، تفکیک شده‌اند.



نمودار ۱

۲. تعیین کجرو: <sup>۱</sup> فرایندی که طی آن، برخی افراد و گروه‌ها به سبب نژاد، جنس، مذهب یا پایگاه اقتصادی و اجتماعی و صرفاً از آن رو که حساسیت واجدان را برمی‌انگیزند یا تهدیدی برای آنها به نظر می‌رسند، برچسب کجرو می‌خورند. و آماج کنترل اجتماعی قرار می‌گیرند (بکر، ۱۹۶۳، ص ۳۳-۳۴؛ سیجل، ۲۰۱۱، ص ۱۴، ۲۵۱)؛

۳. ترویج هنجار: <sup>۲</sup> تعریف، ترویج یا رسمیت بخشیدن واجدان به هنجارهایی خاص برای طرد هنجارهای مخالف، با استفاده از ابزارها و ترفندهای سیاسی، فرهنگی و مانند آن (تحریف، تحمیل، تطمیع، تهدید، فریب، ...) (کلینارد و می‌یر، ۲۰۱۰، ص ۱۳-۱۴)؛

۴. قانون‌نابذیری: ویژگی (و تمایل) نابازداشتگی، <sup>۳</sup> تحمل نکردن محدودیت‌ها و فراقانون بودن (در قدرت) (باومیستر و وُس، ۲۰۰۷، ص ۶۸۹)؛

۵. هنجار نامقترن: هنجاری با ویژگی‌های زیر که در مناسبات قدرت، وضع و اجرا می‌شود: تفاوت آماج‌ها و واضعان (یا نفع‌برندگان)، نادیده گرفتن باورها، ارزش‌ها، علائق و منافع آماج‌ها و خودی محسوب نشدن از سوی آنان (چلبی، ۱۳۷۵، ص ۴۵ و ۵۸-۷۷؛ به نقل از کلمن، ۱۹۹۰؛ کلینارد و می‌یر، ۲۰۱۰، ص ۸۱؛ تی‌یرنی، ۲۰۰۹، ص ۶۲؛ میلر، ۲۰۰۹، ص ۲۱۶)؛

1. deviant identification

2. norm promotion

3. disinhibition

۶. ربایش منافع: جهت‌گیری و انتقال منابع قدرت و ثروت از فاقدان به سوی واجدان، فراهم بودن شرایط آن برای واجدان و بهره‌کشی آنان از فاقدان (سیجل، ۲۰۱۱، ص ۲۷۰):
۷. کنترل الزام‌گر: کاربرد اجبار، آزار جسمی، تحمیل، تهدید و... به‌عنوان ضمانت اجرای هنجارها (ی نامقترن) در روابط واحدهای اجتماعی دارا و فاقد قدرت (کرولانسکی و هیگینز، ۲۰۰۷، ص ۶۸۳؛ کلینارد و می‌یر، ۲۰۱۰، ص ۸۱):
۸. واکنش سیاسی: عملکرد واجدان در حساسیت (آفرینی) نسبت به کنش‌ها و واحدهای اجتماعی، برداشت کج‌روانه از آنها یا ایجاد واکنش و تعیین نوع و شدت آن در برابر آنها (سیجل، ۲۰۱۱، ص ۲۷۱؛ اُبرین و یار، ۲۰۰۸، ص ۴۲؛ مک‌لاف‌لین و مانسی، ۲۰۰۱، ص ۴۸):
۹. تضاد: تعارض باورها، ارزش‌ها، هنجارها، علائق و منافع واحدهای اجتماعی (به‌ویژه واحدهای مسلط و تحت سلطه) و برآمدن هدف‌ها و منافع یک واحد به هزینه واحد (های) دیگر (سیجل، ۲۰۱۱، ص ۲۶۷-۲۷۲؛ مک‌لاف‌لین و مانسی، ۲۰۰۱، ص ۴۸-۴۹؛ ولد و دیگران، ۱۹۹۸، ص ۲۳۶ و ۲۴۶):
۱۰. پوشش دادن: وضعیتی در مناسبات بین واحدهای اجتماعی دارای منافع و علائق متعارض که ارزش‌ها و هنجارهای یک واحد، نگرش‌ها و کنش‌های واحد (های) دیگری را آماج خود قرار می‌دهند (مک‌لاف‌لین و مانسی، ۲۰۰۱، ص ۴۸):
۱۱. مزاحمت: مزاحمت واحدهای اجتماعی و علائق، منافع و کنش‌های آنها در مسیر تحقق اهداف، عملکرد یا ایدئولوژی واجدان (با لحاظ نقش این وضعیت در کج‌رو(انه) قلمداد شدن آنها و قرار گرفتن‌شان در معرض واکنش‌های قدرت) (سیجل، ۱۹۹۸، ص ۲۳۹-۲۴۰؛ سلیمی و داوری، ۱۳۸۷، ص ۳۷۸):
۱۲. برخورداری ساختاری: <sup>۱</sup> در دسترس بودن منابع و فرصت‌ها و سطوح متوسط به بالای رفاه اقتصادی و اجتماعی (با مؤلفه کَلّی و فور منابع). در مقابل، نابرخورداری ساختاری که با مؤلفه کَلّی فقدان منابع و عناصری مثل در دسترس نبودن منابع و فرصت‌ها (حتی نزولات آسمانی) و سطوح پایین رفاه اقتصادی و اجتماعی افراد تعریف می‌شود (اشتفن‌میر و هینی، ۲۰۰۰، ص ۴۰۶-۴۱۲؛ اُلْمِر و دیگران، ۲۰۱۲، ص ۷۹۹-۸۰۲؛ الیس و دیگران، ۲۰۰۹، ص ۶۰، ۶۸ و ۲۳۶؛ میلر، ۲۰۰۹، ص ۱۵۴-۱۵۹):
۱۳. وجدان جمعی: کلّیت فهم‌ها، باورها و عواطف جمعی و مشترک در بین حد وسط اعضای جامعه و دارای دو بُعد عاطفی یا عواطف جمعی (عواطف مشترک، از جمله، حس تعلق به جامعه

---

1. structural advantage

و ارزش‌ها و هنجارها) و تصویری یا باورها، ارزش‌ها، سنت‌ها (باورهای جمعی و مشترک و قواعد عمل، اندیشه و احساس) (دورکیم، ۱۳۶۸، ص ۳۶-۳۷ و ۹۰-۹۴؛ همو، ۱۳۶۹، ص ۹۲ و ۱۸۴؛ رجب‌زاده و کوثری، ۱۳۸۱، ص ۳۵)؛

۱۴. پایگاه اجتماعی: سطح (مشابه/مشترک) دسترسی (فرد/گروه) به منابع و احترام و پذیرش در روابط اجتماعی که به شکل‌گیری ویژگی‌های نگرشی و کنشی مشترک در او/آنها می‌انجامد (الیس و دیگران، ۲۰۰۹، ص ۱۱ و ۳۲-۳۶؛ ریتزر، ۲۰۰۷، ص ۴۵۹۸-۴۶۰۱؛ ترنر، ۲۰۰۶، ص ۵۸۴-۵۸۶)؛

۱۵. برخورداری: سطح بالای دسترسی به منابع و احترام و پذیرش در روابط اجتماعی و قرار داشتن در پایگاه اجتماعی فرادست و در مقابل آن، نابرورداری (عدم/کمی دسترسی به منابع و احترام و پذیرش اجتماعی و قرار داشتن در پایگاه فرودست) (ریتزر، ۲۰۰۷، ص ۴۵۹۸).

۱۶. تغییر برخورداری: آثار تغییرات و حوادث منفی/مثبت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی (مثلاً، بحران یا پیشرفت سریع اقتصادی) در زندگی و شرایط روانی افراد. به‌ویژه، آنکه فهم اینکه چه چیز بهنجار است را دچار تغییر بنیادی کرده و سازگاری با انواعی از هنجارها را با چالش مواجه می‌سازند (ریتزر، ۲۰۰۵، ص ۱۶؛ همو، ۲۰۰۷، ص ۴۶۰۱؛ اشتفن‌میر و هینی، ۲۰۰۰، ص ۴۰۸-۴۰۹)؛

۱۷. سبک زندگی: مجموعه (الگوهای) کنش‌های نسبتاً ثابت و تمایزبخش افراد و گروه‌ها که با عناصر زیر پیوند دارند: باورها، نگرش‌ها، خلق‌وخو، ویژگی‌های جمعیتی (نژاد، پایگاه اجتماعی، وضع تأهل، جنسیت، ...)، انتظارات نقش و محدودیت‌های ساختاری (سیجل، ۲۰۱۱، ص ۸۱-۸۶؛ ویلسون، ۲۰۰۹، ص ۱۵۸-۱۵۹؛ ذریتی، ۲۰۰۸، ص ۴۴۵-۴۴۶)؛

۱۸. نفوذ (اجتماعی): کوشش‌های عامدانه یک واحد اجتماعی برای تغییر در نگرش یا کنش دیگر واحدها (جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۲، ص ۳۶۴؛ کریمی، ۱۳۷۳، ص ۱۰۴-۱۰۵)؛

۱۹. فشار هم‌نوابی: فشاری که (در عمل/از نظر فرد) جامعه، گروه یا خانواده برای برآمدن انتظارات برخاسته از نقش و مسئولیت او بر وی وارد می‌کنند (رشه، ۱۳۶۷، ص ۱۷۵-۱۷۷)؛

۲۰. حمایت اجتماعی: (تصور) برخورداری از مساعدت اجتماع‌ها، شبکه‌های اجتماعی یا شریکانی که هنگام رویارویی با نیازهای فرد به او اعتماد می‌کنند (کالوین و دیگران، ۲۰۰۲، ص ۲۱)؛

۲۱. شکنندگی: <sup>۱</sup> برانگیختگی یا رغبت در اثر انگیزش‌های دیگران یا آسیب‌پذیری و ناتوانی برای مقاومت در برابر فشارهای آنان (اریکسون و دیگران، ۲۰۰۰)؛

۲۲. محرومیت نسبی: حس فرد در مقایسه (طبیعی) داشته‌های (بالفعل و بالقوه) خود با دیگران، آنگاه که برخورداری‌هایش را کمتر ببیند. و می‌تواند مقدمه نارضایی از شرایط ایجاد کننده محرومیت و گرایش به مقابله با آن باشد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸، ص ۲۸-۳۷؛ پورافکاری، ۱۳۷۳)؛



۲۳. فریبندگی: <sup>۱</sup> ویژگی‌ها یا شرایط (انجام) یک کنش کجروانه که، در پیوند با پیشینه و نگرش فرد و در نوعی فراروی اخلاقی، <sup>۲</sup> چهره‌ای هیجانی/عاطفی و ارزشی بیش از انجام یک کنش به آن می‌دهد (وایت و هینز، ۱۳۹۰، ص ۱۹۹-۲۰۰؛ ولد و دیگران، ۱۹۹۸، ص ۲۲۵-۲۲۶)؛

۲۴. دوراهی اجتماعی: دوراهی‌های ناشی از تعارض منافع که، در روایت جامعه‌شناختی نظریه گزینش عقلانی، در پیوند با عوامل محیطی (فضا و محیط کنش، ...)، موقعیتی (میزان نفع، زمان حصول آن، ...) و شخصیتی شکل می‌گیرد (ریترز، ۲۰۰۷، ص ۴۴۰-۴۴۰۱؛ جوادی و هاشمی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۵-۱۵۴)؛

۲۵. خنثی‌سازی: فرایندی که طی آن، فرد -با پنج فنّ انکار مسئولیت، انکار آسیب، انکار آسیب‌دیده، سرزنش سرزنش‌گران و توسل به ارزش‌ها- می‌کوشد کجروی خود را توجیه و اثر ارزش‌ها و هنجارهای معارض با آن را خنثی کند (وایت و هینز، ۱۳۹۰، ص ۱۹۷).

#### ۴. دیدگاه قرآن

گزاره‌های قرآنی، روابط قدرت را در عرصه‌های متفاوت مناسبت‌های اجتماعی شناسایی کرده‌اند. و نقش این متغیر را در آن عرصه‌ها تعیین‌کننده و فراگیر می‌دانند. این توجه را، مثلاً، می‌شود در دو دسته آیات زیر دید. دسته اول، تفاوت‌های میان افراد و گروه‌ها و برتری‌ها و مزیت‌های ناشی از آنها را از جمله عناصر پدید آورنده و قوام‌بخش زندگی اجتماعی می‌دانند (مثلاً، نساء، ۳۲؛ حجرات، ۱۳)؛ و دسته دوم، یادآور می‌شوند که این برتری‌ها و مزیت‌ها به افراد و گروه‌های برخوردار، قدرت می‌دهند تا دیگران را به خدمت گیرند و آنان را به برآوردن خواسته‌هایشان وادارند (مثلاً، زخرف، ۳۲). <sup>۳</sup> به همین شکل، پیوندهای قدرت و کجروی و بزه‌دیدگی، اصولاً در بستر مناسبات غیرخدایی قدرت مورد توجه قرار گرفته‌اند.

گزاره‌هایی که در ادامه به‌عنوان دیدگاه‌های قرآن ارائه می‌شوند، برداشت‌های تأیید شده از آیاتی هستند که براساس مقوله‌های این تحقیق، گزینش و سپس، کدگذاری و بازچینی شده‌اند. <sup>۴</sup> و پیش از هر چیز، در پرتو مبانی فراتجربی آموزه‌های اسلامی، که ویژگی جدایی‌ناپذیر و تمیزدهنده آنها از

1. seduction

2. moral transcendence

۳. در فراز مورد نظر از آیه، آمده است: «... برخی از آنان را در درجاتی بر برخی برتری دادیم تا بعضی‌شان بعضی را مسخر سازند...». فرهنگ‌های قرآنی «مسخر کردن» را اعمال سلطه و قدرت و مطیع ساختن دیگران، معنا کرده (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۷۶؛ همان، ج ۹، ص ۳۳۰؛ راغب، ۱۴۱۲، ص ۴۰۲ و ۶۸۷. مدخل‌های «سخر» و «قهر») و بدین شکل، دیدگاه قرآن را درباره حضور فراگیر قدرت در مناسبت‌های اجتماعی نشان داده‌اند.

۴. به سبب محدودیت مقاله و چون عمده منابع تفسیری مورد مراجعه پیش‌تر معرفی شده‌اند، از بیان نشانی آرا خودداری شده است.

سنت‌های موجود در علوم اجتماعی اند، فهم می‌شوند. همچنین براساس قاعده پیشنهادی برگ<sup>۱</sup> در ازای استناد هر مقوله به آیات قرآن، حداقل سه گزاره - به‌عنوان شاهد - بیان شده‌اند. گزاره‌های ۱ تا ۵، پذیرفته بودن دو نکته را در تحلیل قرآن نشان می‌دهند: حضور قدرت در روابط موجود در حوزه‌های مختلف کنش اجتماعی و عملکرد انواع برخورداری‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به‌عنوان منابع آن:<sup>۲</sup>

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۱	یونس: ۸۸	و موسی گفت پروردگارا... به فرعون و اشرافش... زینت و اموال <sup>۳</sup> دادی... تا [مردم را] از راهت گمراه کنند...	زینت و دارایی فرعون (حاکم معاصر موسی <small>علیه السلام</small> ) و واجدان پیرامون او، ابزارهای گمراه شدن مردم به دست آنان بود.
۲	مائده: ۵۲	... در آنها شتاب کنند. گویند: می‌ترسیم حادثه‌ای برای ما پیش آید... .	حس نیاز یا طمع منافقان به حمایت کافران با استفاده از قدرت و ثروت‌شان، زمینه شتاب در پیوند و همراهی آنها بود.
۳	لقمان: ۶	... کسانی... سخن سرگرم کننده <sup>۴</sup> می‌خرند تا [دیگران را] به بی‌دانشی از راه خدا گمراه کنند...	واجدان، محتواهای فرهنگی سرگرم کننده را تهیه می‌کردند تا مردم را به بی‌دانشی از راه خدا گمراه کنند.
۴	یوسف: ۹۸	... گفتند یوسف و برادرش... از ما که جمعی نیرومند هستیم، محبوب‌ترند... یوسف را بکشید یا او را به سرزمینی اندازید، تا توجه پدر معطوف شما شود... .	برادران یوسف <small>علیه السلام</small> در اثر اداره زندگی و تأمین نیازهای خانواده، خود را دارای مزیت و قدرت می‌دیدند و می‌پنداشتند با حذف او، جایگاه مناسب خود را نزد مدیر خانواده باز می‌یابند.
۵	لقمان: ۱۵ عنکبوت: ۸	... با تو در کوشند تا در چیزی که بدان دانشی نداری، به من شرک ورزی... .	گاه پدر و مادر، فرزند را می‌دارند تا به خداوند شرک بورزد.

۱. برگ (۲۰۰۱، ص ۲۴۲-۲۴۳) مدعی است یک قاعده تجربی اطمینان‌آور برای رمزگشایی از معانی پنهان متن و مستندسازی تفسیر آنها، ارائه حداقل سه گزیده تفصیلی از گزاره‌ها (یا پیام‌ها) ی مرتبط - به‌عنوان سه شاهد مستقل برای هر تفسیر - است.
۲. می‌توان دید که این گزاره‌ها، به ترتیب، به روابط و حوزه‌های زیر اشاره دارند: ۱. روابط نمادی و مبادله‌ای در حوزه کنش سیاسی؛ ۲. روابط مبادله‌ای و قدرت در حوزه کنش اقتصادی؛ ۳. رابطه نمادی در دو حوزه کنش سیاسی و فرهنگی؛ ۴. روابط مبادله‌ای و قدرت در حوزه کنش اجتماعی؛ ۵. رابطه عاطفی در حوزه کنش اجتماعی (درباره مفهوم و ابعاد این روابط و حوزه‌ها، ر.ک: چلیبی، ۱۳۷۵، ۵۸-۷۷). برداشت رابطه عاطفی در گزاره آخر، مبتنی بر شأن نزول آیات است. به نظر مفسران، آنها درباره مؤمنی نازل شده‌اند که بسیار به مادر دل‌بسته بود. مادر، ایمان نیآورده بود. و چون از اسلام آوردن فرزند آگاه شد، چند روز غذا نخورد، آب ننوشید و در سایه نشست؛ تا او دست از اسلام بردارد (طوسی، ۱۳۷۶، ص ۸، ص ۱۸۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۴۳۰؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۷، ص ۱۱۷؛ مکارم و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۱).
۳. مفسران، زینت را بیانگر امور مجذوب کننده، دارایی را نماد ابزارهای کنترل مادی و آنها را زمینه مشروعیت یافتن ارزش‌ها و هنجارهای واجدان و گرایش مردم بدان‌ها می‌دانند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۱۱۵؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۱، ص ۳۵۸؛ حقی بروسوی، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۷۵؛ سیدقطب، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۸۱۶-۱۸۱۷).
۴. این مضمون را بیانگر هر محتوای فرهنگی می‌دانند که توجه را از حق یا منافع واقعی انسان، منحرف کند (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۸، ص ۲۷۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۴۹۰-۴۹۱؛ فیضی دکنی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۲۹۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۴۰۹؛ مکارم و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۱۵).

## ۴-۱. پیوند قدرت و کجروی و بزه‌دیدی

گزاره‌های ۶ تا ۹، ابعادی از پیوندهایی را نشان می‌دهند که، از نگاه قرآن، دسترسی داشتن یا نداشتن به منابع قدرت و ثروت با کجروی دارند:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۶	علق: ۷۶	حقاً که انسان سرکشی کند * انگاه که خود را بی‌نیاز بیند.	پندار بی‌نیازی، متأثر از برخورداری از قدرت و ثروت و زمینه سرکش و مرزشکنی است.
۷	شورا: ۲۷	و اگر خدا روزی را بر بندگانش فراخ سازد، هر آینه در زمین، عصیان و ستم کنند ...	فراخ شدن روزی <sup>۱</sup> بندگان، زمینه عصیان و ستمگری آنان است.
۸	فجر: ۱۶	و اما چون او را بیازماید و روزیش را بر او تنگ گرداند، گوید: «پروردگارم خوارم کرده است».	نابرخورداری، زمینه پندار خوار شدن (توسط خدا) و قطع اعتماد، دل‌بستگی و امید بدو، پای‌بند نماندن به ارزش‌ها و هنجارهای الهی و تکذیب آنهاست.
۹	بقره: ۱۷۷	...و شکیباییان در سختی و زیان ... آنانند ... که راست گفته‌اند و آنان همان پرهیزگارانند.	نابرخورداری، زمینه ناشکیبی (نابرهیزگاران/ناراستان در پیمان ایمانی) دریایی‌بندی به باورها، ارزش‌ها و هنجارهای الهی است.

سه گزاره زیر نیز، پیوند بی‌قدرتی را با بزه‌دیدی نشان می‌دهند:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۱۰	هود: ۹۱	گفتند: شعیب! ... تو را بین خود، ضعیف می‌بینیم و اگر عشیره‌ات نبود، قطعاً سنگسارت می‌کردیم ...	واجدان، شعیب <small>عليه السلام</small> و پیروانش را، به سبب مخالفت با خود و با سوء استفاده از بی‌قدرتی آنها، آماج برخورد می‌ساختند.
۱۱	قصص: ۴	... فرعون ... گروهی ... را به استضعاف می‌کشاند. پسران آنها را سر می‌برید، و زن‌های ایشان را زنده می‌نهاد ...	بنی اسرائیل (پیش از پیروزی موسی <small>عليه السلام</small> ) بی‌قدرت و آماج (بزه‌دیدی از) برخوردهای خشن مانند بیگاری و بردگی، بهره‌کشی (جنسی)، قتل و نسل‌کشی بود.
۱۲	نور: ۳۳	... کنیزان خود را ... در طلب متاع زندگی دنیا به فحشا و مدارید ...	فروودستی پایگاهی (کنیزان)، زمینه بهره‌کشی مالکان از آنان و سوق دادن‌شان به کجروی (جنسی) (و بزه‌دیدی از آن) بود.

کجروی‌های واجدان و فاقدان و ویژگی‌ها و پیامدهای آنها، بُعد دیگر پیوند کجروی و قدرت در نگاه قرآن است. این کجروی‌ها در آیات متعدد و در محورهای زیر، مطرح شده‌اند: مناسبات غیرخدایی قدرت و، به‌ویژه، برخوردهای واجدان با پیامبران عليهم السلام و پیروان‌شان - به‌عنوان قشرهایی که عمدتاً نابرخوردار و مخالف یا تهدیدی برای آنان بودند - و، در پی آن، بزه‌دیدی این قشرها از کجروی‌های آنان.

نخستین و مهم‌ترین گونه کجروی‌های واجدان، مقاومت در برابر آموزه‌های اصلاحی

۱. روزی - رزق - بیانگر انواع برخورداری‌های مادی و معنوی (طعام، مال، علم و...) است که انسان‌ها به‌عنوان ابزارهای ادامه حیات از آن بهره می‌گیرند (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۸۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۱۱۵-۱۱۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۵۷).

پیامبران (علیهم‌السلام) و مصلحان اجتماعی، رهبری آنها و تغییرات اجتماعی ناشی از این عناصر است که قرآن، به شکلی فراگیر، به آنان نسبت داده است. در این باره، مفسران تأکید دارند که آیات متعددی از قرآن، اولین و جدی‌ترین مقاومت‌های نگرشی و کنشی در برابر پیامبران و مصلحان را به ملاء و مترفان نسبت داده‌اند (شبر، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۸۶؛ مکارم و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۰۶؛ همان، ج ۲۱، ص ۳۸؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۹، ص ۵۴؛ مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۴۷۹).

گونه‌های دیگر نیز از جمله، عبارتند از: استبداد، بی‌عدالتی، تبعیض، ایجاد فاصله طبقاتی، ستمکاری، غارت، ربودن اموال و نادیده گرفتن حقوق فاقدان و زیردستان، فساد و زشت‌کاری، رشوه، خیانت در امانت، تخریب شخصیت، هتک حرمت، شکنجه و آزار، بهره‌کشی (جنسی)، به بیگاری و بردگی گرفتن، قتل و نسل‌کشی مخالفان و تحریف واقعیت‌ها، باورها، ارزش‌ها و گمراه ساختن دیگران (اعراف: ۶۰، ۸۸، ۱۲۶، ۱۲۷ و ۱۳۱؛ شعرا: ۲۷ و ۲۹؛ سبأ: ۳۱-۳۳؛ نمل: ۳۴؛ قصص: ۴، ۳۸-۳۹ و ۵۷؛ انفال: ۲۶؛ آل‌عمران: ۷۵؛ بقره: ۲۰۶؛ هود: ۸۷ و ۹۱؛ یونس: ۸۳؛ طه: ۷۱؛ اسراء: ۱۶؛ کهف: ۷۹؛ توبه: ۳۴).

موارد زیر نیز نمونه کج‌روی‌ها و بزه‌دیدگی‌های مرتبط با بی‌قدرتی‌اند:

کج‌روی‌ها: قتل فرزندان/دختران، (آمادگی / شکنندگی در برابر فشار) کج‌روی (جنسی)، ترک انفاق، نا (شکیبایی در) پای‌بندی به ارزش‌ها و هنجارهای الهی، آمادگی پیوستن به قدرت‌های کج‌رو و پندار خوار شدن (توسط خدا) و قطع اعتماد، دل‌بستگی و امید به او.

بزه‌دیدگی‌ها: آماج برچسب‌زنی، آزار، تعرض، تحریم، تخریب، تضعیف و بهره‌کشی (جنسی)، بردگی، بیگاری، شکنجه، قتل و نسل‌کشی، هنجار نامقترن و جرم نفرت (واجدان) بودن (فجر: ۱۶ و ۱۷؛ بقره: ۱۷۷؛ مائده: ۵۲ و ۵۹؛ نساء: ۲۵ و ۹۸؛ نور: ۳۳؛ انعام: ۱۵۱ و ۱۵۲؛ اسراء: ۳۱ و ۱۰۰؛ ابراهیم: ۲۱؛ سبأ: ۳۱؛ قصص: ۴ و ۳۸-۳۹؛ حج: ۴۰؛ یونس: ۸۳؛ نمل: ۳۴؛ انفال: ۲۶؛ اعراف: ۸۸-۹۰، ۱۲۶ و ۱۳۱؛ ماعون: ۲؛ هود: ۹۱؛ بروج: ۸).

#### ۲-۴. اثرگذاری‌های قدرت

اثرگذاری‌های کج‌روانه قدرت در روابط اجتماعی، چشم‌انداز دیگری در تحلیل قرآن از پیوند قدرت و کج‌روی است. این اثرگذاری‌ها در قالب شش مقوله زیر بررسی شده‌اند:

#### ۱-۲-۴. جهت‌دهی

هدایت و کنترل نگرش‌ها و کنش‌های افراد و نیز تعریف‌ها، باورها، ارزش‌ها، هنجارها و روابط و ساختارهای اجتماعی، بیانگر نقشی است که قدرت، به‌عنوان یک متغیر نفوذ اجتماعی، در تغییر

جامعه و جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی دارد. این نقش، به‌ویژه در راستای اهمیتی که قرآن کریم برای هدایت فردی و جمعی انسان‌ها قائل است، قدرت را به عنصر مهمی در نظریه قرآنی کجروی بدل کرده است. گزاره‌های آتی، این تأثیر را در دو فرایند تعریف کجروی و تعیین کجرو و در دو بُعد زیر نشان می‌دهند:

– جایگاه قدرت به‌عنوان یک عنصر تعریف کجروی و تعیین کجرو:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۱۳	سبأ: ۳۴-۳۵	و در هیچ شهری، هشدار دهنده‌ای نفرستادیم، جز آنکه مرفهانش گفتند ما قطعاً بدانچه شما را بدان فرستاده‌اند، کافریم* ... ثروتمندتر و پراولادتریم و ما عذاب شدنی نیستیم.	قشرهای برخوردار، با ارجاع به موقعیت اقتصادی و اجتماعی خود، کنش‌هایشان را راست‌روانه و تعریف‌ها و کنش‌های (الهی) مخالف را نادرست یا کجروانه می‌شمردند.
۱۴	هود: ۹۱	گفتند: شعیب! بسیاری از آنچه را می‌گویی، نمی‌فهمیم... تو را بین خود، ضعیف می‌بینیم و اگر عشیره‌ات نبود، قطعاً سنگسارت می‌کردیم...	(از نگاه واجدان) برخورداری‌های آنان و بی‌قدرتی فاقدان – به‌ویژه دینداران – ملاک مردود بودن کنش‌ها، باورها، ارزش‌ها، هنجارها و کجرو بودن خود آنها بود.
۱۵	زخرف: ۲۹-۳۱	... آنها و پدران‌شان را برخوردار می‌دانم... * و چون حق به سویشان آمد، گفتند ... قطعاً ما منکر آنیم* ... چرا این قرآن بر مرد بزرگی ... فرود نیامده است؟	دستاویز (واجدان مکه برای) انکار صلاحیت رسالت و حقانیت آموزه‌های الهی پیامبر اسلام ﷺ و درستی پیروی از آنها، برخوردار نبودن ایشان از قدرت و ثروت بود.

– جایگاه واجدان در تعریف کجروی و تعیین کجرو:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۱۶	اعراف: ۶۰	سران قومش گفتند: حقاً که ما تو را در گمراهی آشکاری می‌بینیم.	واجدان، مخالفان خود (به‌ویژه دینداران) را کجرو قلمداد می‌کردند.
۱۷	اعراف: ۸۸	سران قومش ... گفتند: ای شعیب! همانا تو و آنها که با تو ایمان آورده‌اند را از شهر خود بیرون خواهیم کرد یا به آیین ما بازگردی ...	واجدان، (کنش‌های) فاقدان – به‌ویژه دینداران – را به سبب هم‌سو نشدن با باورها، ارزش‌ها و علائق و منافع آنان، کجرو (ی) می‌شمردند و در برابرشان، واکنش نشان می‌دادند.
۱۸	اعراف: ۱۳۱	... چون نیکویی بدان‌ها رو می‌آورد می‌گفتند: برای خود ماست و چون گزند بدیشان می‌رسید، به موسی ﷺ و همراهانش شگون بد می‌زدند...	واجدان، فاقدان – به‌ویژه مخالفان (دیندار) – را با زدن برچسب‌های گمراه، بدشگون و مانند آن، کجرو و ناهم‌سو با منافع جمع می‌شمردند.

ابعاد دیگر جهت‌دهی، در سه عرصه هدایت و کنترل نگرش‌ها و کنش‌ها، تغییر ساختارها و روابط اجتماعی و تقویت و ترویج هنجارهای هم‌سو، از جمله، در گزاره‌های آتی آمده‌اند:

– جهت‌دهی نگرش‌ها و کنش‌ها:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۱۹	سبأ: ۳۱-۳۳	... آنها که زبردست بودند بدان‌ها که برتری می‌جستند، گویند: اگر شما نبودید، قطعاً ما مؤمن بودیم * ... * نیرنگ شب و روز [شما بود] ... که وامی‌داشتید به خدا کفر ورزیم و برایش همتیانی قرار دهیم... .	واجدان با کنش‌ها و استفاده (مستمر) از اهرم‌هایی مانند فریب و الزام در جهت دادن (کج‌روانه) نگرش‌ها و کنش‌های فاقدان و افراد و گروه‌های تحت سلطه خود، اثرگذار بودند.
۲۰	قصص: ۷۹	پس با زینت‌های خود بر قومش نمایان شد... گفتند: کاش مثل آنچه به قارون داده‌اند به ما می‌دادند. او واقعاً بهره‌ر بزرگی دارد.	(مشاهده) زینت و دارایی‌های واجدان مشرک، زمینه‌گر ارایش افراد به این برخورداری/سبک زندگی و شکل‌گیری نگرش‌ها(و کنش‌ها) ی هم‌سو در آنان بود.
۲۱	یونس: ۸۳	... کسی جز ... از قوم موسی بدو ایمان نیاورد. از بیم آنکه فرعون و سران‌شان بدیشان آزار رسانند... .	آزارهای واجدان (مشرک)، سبب بیم گروه‌های اقلیت و فاقد قدرت و مانع ایمان آوردن آنان بود.

#### - جهت‌دهی روابط و ساختارهای اجتماعی:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۲۲	نمل: ۳۴	... همانا پادشاهان چون به شهری درآیند، آن را تباه و عزیزانش را خوار می‌گردانند. و اینگونه می‌کنند... .	واجدان، هنگام استیلا بر یک جامعه، واجدان پیشین را از منابع، مزایا و منزلت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، محروم ساخته و آنها را به گروه‌های هم‌سو وامی‌گذارند.
۲۳	قصص: ۴	... فرعون در زمین، برتری جست و اهلش را گروه گروه کرد... گروهی ... را به استضعاف می‌کشاند... .	فرعون برای تحکیم حاکمیتش، اقوام هم‌سو را از منابع، مزایا و منزلت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برخوردار و اقوام دیگر -به‌ویژه مخالفان- را از آنها محروم می‌کرد.
۲۴	منافقون: ۷-۸	گویند: بد آنان که نزد پیامبر خدایند، انفاق مکنید تا پراکنده شوند... * گویند: اگر به مدینه برگردیم، قطعاً عزتمندتر، زبون‌تر را از آنجا بیرون می‌کنند... .	سران منافقان می‌کوشیدند تا با منع حمایت اجتماعی از مسلمانان، موقعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنها را تضعیف و مانع حضور (مؤثر) شان در مناطق تحت نفوذ شوند.

#### - ترویج هنجار:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۲۵	لقمان: ۶	... کسانی ... سخن سرگرم‌کننده می‌خرند تا [دیگران را] به بی‌دانشی از راه خدا گمراه کنند و آن را به ریشخند گیرند... .	واجدان (مشرک)، ابزارها و محتواهای فرهنگی (خنثی یا موافق) را برای ترویج باورها، ارزش‌ها و هنجارهای هم‌سو و تضعیف یا نفی آموزه‌های (الهی) مخالفان به کار می‌گرفتند.
۲۶	زخرف: ۵۱-۵۴	و فرعون در قومش ندا داد ... آیا حکومت مصر و این نهرها ... از آن من نیست؟ * ... یا من از اینکه بی‌قدر است و بیان نتواند، بهتر نیستم؟ * پس چرا دستبندهای زر بر او نیاویخته؟ یا با او فرشتگان همراه نیامده‌اند؟ * پس، قومش را حقیر کرد تا اطاعتش کردند... .	ابزار فرعون در ترویج باورها، ارزش‌ها و هنجارهای هم‌سو و تضعیف و نفی اجتماعی باورها، ارزش‌ها و آموزه‌های (الهی) مخالفان، تحریف واقعیت‌ها و ارزش‌ها، یادآوری باورها و ارزش‌های جاهلی و پایین نگاه داشتن سطح فکر مخاطبان بود.
۲۷	ص: ۶	بزرگان‌شان ... [گفتند]: بروید و بر معبودهاتان پایداری کنید. این، آن است که خواسته می‌شود.	سران قوم برای ترویج باورها، ارزش‌ها و هنجارهای هم‌سو و نفی یا تضعیف آموزه‌های (الهی) مخالفان، سنت‌های پیشینیان را یادآوری کرده و عواطف جمعی را در آن راستا برمی‌انگیختند.

## ۴-۲-۲. قانون‌ناپذیری

گزاره‌های زیر، نمونه‌های تحلیل قرآن از قانون‌ناپذیری قدرت و برخی ابعاد آن هستند:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۲۸	علق: ۶-۷	حَقًّا که انسان سرکشی کند* آنگاه که خود را بی‌نیاز ببیند.	برخورداری، زمینه‌پندار بی‌نیازی و این، زمینه سرکشی (نقض ارزش‌ها و هنجارها، خروج از اعتدال، تعدی به دیگران، ... ) است.
۲۹	بقره: ۲۰۶	و چون بدو گویند از خدا پروا کن، عَزَّتْ <sup>۱</sup> او او را به گناه کشانند....	(پندار) برخورداری (در واجدان) زمینه کبر ورزیدن، تن ندادن به رعایت ارزش‌ها و هنجارها (ی الهی) و پرهیز از نقض آنها بود.
۳۰	قصص: ۳۸-۳۹	و فرعون گفت ... جز خود برایتان خدایی نشناسم ... * و او و لشکریانش ... در زمین کبر ورزیدند ...	دو ویژگی فرعون، نفی قدرت برتر از خود (و لزوم پیروی یا پاسخگویی به او) و تن ندادن به محدودیت‌های ناشی از ارزش‌ها و هنجارها (ی الهی) بود.

## ۴-۲-۳. هنجار نامقترن

گزاره‌های آتی با طرح نکات زیر، نقش هنجار نامقترن را در مناسبات قدرت نشان می‌دهند: نادیده گرفته شدن علائق و منافع فاقدان (مخالف) در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، نقش این عنصر در تعریف‌های واجدان از نگرش‌ها و کنش‌های آنان و همچنین پیوندی که با کج‌روی‌های واجدان و بزه‌دیدگی‌های فاقدان دارد:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۳۱	هود: ۹۱	گفتند: شعب! بسیاری از آنچه را می‌گویی نمی‌فهمیم و همانا تو را بین خود، ضعیف می‌بینیم....	سران قوم، با ارجاع به بی‌قدرتی شعب (عَلَيْهِمُ السَّلْطَةُ)، آموزه‌های الهی او را قابل پذیرش، اعتنا یا رعایت (اجتماعی) نمی‌دیدند.
۳۲	قصص: ۴	... فرعون در زمین، برتری جست و اهلش را گروه گروه کرد ... گروهی ... را به استضعاف می‌کشانند....	نادیده گرفتن علائق و منافع (به استضعاف کشانیدن) بنی اسرائیل، یک ترفند فرعون برای تحکیم حاکمیتش بود.
۳۳	آل عمران: ۷۵	و از اهل کتاب ... کسانی اند که چون ... بر دیناری امین‌شان شمردی ... بازنگردانند ... این از آن رو است که آنها می‌گفتند: در [کار] بی‌کتاب‌ها بر ما منعی نیست.	تصور برتری یهود، زمینه آن بود که (برخی) یهودیان، رعایت حقوق مالی غیر یهودیان نیازمند به خود را، در آیین‌شان، لازم نبینند و تعدی به دارایی‌هاشان را ممنوع نشمرند.

سه گزاره آتی نیز بیانگر آنند که مخالفان پیامبران (و واجدان آنها) می‌پنداشتند علائق و

۱. عزت، بیانگر برخورداری از مظاهر قدرت و ثروت یا نخوت ناشی از آن است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۱۱۶-۱۱۷؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۱۹؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۳۰۸؛ سبزواری، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲۴۵؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۱۹؛ فیضی دکنی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۹۵).

منافع‌شان در آموزه‌های الهی آنان، نادیده گرفته می‌شوند. و این، زمینه‌ساز سرپیچی از و واکنش در برابر آن آموزه‌ها و پیامبران و پیروانشان و معیاری برای کج‌روانه شمردن آن آموزه‌ها و ارزش‌ها، هنجارها و کنش‌های مبتنی بر آنها بوده است:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۳۴	هود: ۸۷	گفتند: ای شعیب! ... آیا نمازت ... فرمان می‌دهد ... به میل خود در اموالمان تصرف نکنیم؟ تو که بردبار و فهمیده‌ای!	سران قوم، شعیب <small>رضی الله عنه</small> را طالب نفع شخصی و تعالیم او را مخالف بی‌جویی (آزادانه) منافعشان می‌دیدند. پس، آنها را دور از خرد و رشد می‌شمردند و نفی و نقض‌شان می‌کردند.
۳۵	اعراف: ۱۲۷	و سران قوم فرعون گفتند: آیا موسی و قومش را و می‌نهی تا در سرزمین فساد کنند و [موسی] تو و خدایانت را رها کند؟...	واجدان، آموزه‌ها و اعمال موسی <small>رضی الله عنه</small> و پیروان او را زمینه ترک و تهدیدی برای باورها و ارزش‌های خود و اقتدار حکومت می‌دیدند. لذا، آنها را به فساد متهم و فرعون را به واکنش دعوت می‌کردند.
۳۶	نور: ۴۸ و ۵۰	و چون به سوی خدا و پیامبرش خوانده شوند تا بین‌شان داوری کند ... روی برمی‌تابند* ... * آیا ... می‌ترسند خدا و فرستاده‌اش بر آنها ستم کنند؟...	یک عامل نفاق‌ورزی و روی‌گردانی منافقان از آموزه‌ها و احکام اسلامی و داوری پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> آن بود که می‌پنداشتند آنها علائق و منافع ایشان را نادیده می‌گیرند.

#### ۴-۲-۴. ربایش منافع

گزاره‌های زیر، بیانگر برخی ابعاد ربایش منافع از سوی قدرت و بزه‌دیدگی‌های فاقدان‌اند:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۳۷	انفال: ۲۶	به یاد آرید ... گروهی اندک و مستضعف بودید. می‌ترسیدید مردم شما را برابند...	بی‌قدرتی و حامی نداشتن اقلیت مسلمان زمینه غارت‌ها و ربایش‌های گروه‌های قدرتمند و وابسته به مشرکان حاکم بود.
۳۸	نور: ۳۳	...کنیزان خود را ... در طلب متاع زندگی دنیا به فحشا و مدارید...	فراستی مالکان، زمینه بهره‌کشی و کسب درآمد از کنیزان از طریق سوق دادن آنان به کج‌روی (جنسی) بود.
۳۹	آل عمران: ۷۵	و از اهل کتاب ... کسانی‌اند که چون ... بر دیناری امین‌شان شمری ... بازنگردانند ... این از آن رو است که آنها می‌گفتند: در [کار] بی‌کتاب‌ها بر ما منعی نیست.	(برخی) یهودیان، (با پندار برتری یهود، هر گاه قادر بودند) امانت‌ها و اموالی که از غیریهودیان نزدشان بود، پس نمی‌دادند.

#### ۴-۲-۵. کنترل الزام‌گر

گزاره‌های زیر، به کاربرد کنترل الزام‌گر توسط قدرت و بزه‌دیدگی‌های از آن اشاره دارند:



ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۴۰	اعراف: ۸۸	سران قومش ... گفتند ... تو و آنها را که با تو ایمان آورده‌اند از شهر خود بیرون خواهیم کرد...	واجدان در واکنش به مخالفت شعیب (علیه السلام) و پیروانش با سنت‌های موجود، آنان را به اخراج از شهر و او را به سنگسار تهدید می‌کردند.
۴۱	هود: ۹۱	... اگر عشیره‌ات نبود، قطعاً سنگسارت می‌کردیم. ...	
۴۲	شعرا: ۴۹ طه: ۷۱ اعراف: ۱۲۴	... بی‌شک دست‌ها ... و پاهاتان را .. قطع می‌کنم و بر تنه‌های درخت خرما به دارتان می‌آویزم...	فرعون، ساحران ایمان آورده به موسی (علیه السلام) را به قطع دست و پا و به دار آویختن تهدید می‌کرد.
۴۳	بروج: ۸ و ۴	مرگ بر آدم‌سوزان خندق * ... * * * و بر آنها ایرادی نداشتند جز آنکه به‌خدا ... ایمان آورده بودند.	سردمداران (و اکثریت حاکم در) جوامع کافر و مشرک، مؤمنان را صرفاً به جرم ایمان‌شان، در آتش می‌سوزاندند.

#### ۴-۲-۶. واکنش سیاسی

گزاره‌های پیش‌گفته زیر نشان می‌دهند که قرآن، حساسیت‌ها و واکنش‌های واجدان را، به‌ویژه در مناسبات غیرخدایی قدرت، ملاکی در تعریف کجروی و تعیین کجرو می‌داند:<sup>۱</sup>

گزاره	برداشت مرتبط
۱۳، ۱۴، ۱۵	نگرش (و افتخار) واجدان به برخورداری‌ها و امتیازات خود، سبب می‌شد که فاقدان (و کنش‌هاشان) را به سبب بی‌قدرتی و فقر مادی، کجرو (ی) بشمرند.
۱۷	واجدان، (کنش‌های) فاقدان را به سبب پیروی نکردن از خواسته‌ها یا هم‌سو نبودن با علائق و منافع‌شان کجرو (ی) می‌شمرند.
۳۵	متهم شدن موسی (علیه السلام) و پیروان او به فساد چون واجدان، آموزه‌ها و اعمال آنها را زمینه ترک شدن باورها و ارزش‌های حاکم و تهدیدی برای آنها و اقتدار حکومت می‌دیدند.

حساسیت‌آفرینی واجدان نسبت به برخی کنش‌ها و کنشگران و (ایجاد) واکنش در برابر آنها نیز در سه گزاره زیر، قابل مشاهده است:

۱. آموزه‌های اسلامی، طبق مبانی هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی خود، کنش‌ها را دارای حسن و قبح ذاتی می‌دانند. اما می‌پذیرند که: ۱. ارزش‌ها و هنجارها می‌توانند در اجتماع‌ها، شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی یا با لحاظ ظرفیت‌های زیستی و روانی افراد، متفاوت باشند و به تعریف‌های متفاوتی از یک کنش بینجامند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۱-۳۲؛ همان، ج ۶، ص ۳۶۴-۳۶۶. برای تحلیلی مختصر از حدیث‌های متناظر، ر.ک: سلیمی، ۱۳۸۸، ص ۲۲-۲۳)؛ ۲. در مناسبات غیرخدایی قدرت و جوامع تحت سلطه آنها، آرای واجدان، بازتاب باورها، ارزش‌ها و علائق و منافع این قشر و معیاری تعیین‌کننده در تعریف راست‌رو/کجرو (انه) بودن کنش‌ها و افراد (یا گروه‌ها) است.

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۴۴	مؤمنون: ۴۷-۴۵	...موسی و برادرش ... را ... فرستادیم* به سوی فرعون و سران [قوم] او، اما کبر ورزیدند ... * ... گفتند: آیا به دو بشر که ... قومشان بندگان مایند، ایمان آریم؟	فروستوی و بی‌قدرتی مادی موسی (علیه السلام) و قومش و وجود این تلقی در فرعون و سران قوم او، زمینه حساسیت آنان نسبت به این پیامبر و آیین وی و کبر ورزیدن در پذیرش آنها بود.
۴۵	اعراف: ۱۲۷	و سران قوم فرعون گفتند: آیا موسی و قومش را و ما می‌نهی تا در سرزمین فساد کنند و [موسی] تو و خدایانت را رها کند؟ ...	حساسیت‌ها، نگرانی‌ها و تحریکات سران قوم درباره موسی (علیه السلام) و پیروانش، زمینه رو آوردن فرعون به بهره‌کشی، برده ساختن و کشتن آنها و بزه‌دگی آنان از آن برخوردها بود.
۴۶	بقره: ۲۴۷	...گفتند: چگونه او را بر ما فرمانروایی است؛ با آنکه ما به حکومت از او سزاوارتریم و او را در مال، گشایشی نداده‌اند....	حساسیت‌های واجدان بنی اسرائیل به برخورداری‌ها و امتیازات خانوادگی و مالی، زمینه نفی حاکمیت فرمانروای برگزیده خدا و سرپیچی از اطاعت او بود.

#### ۳-۴. زمینه‌ها

برخی آیات، قدرت و ابعاد حضورش در روابط اجتماعی یا در پیوند با کج‌روی و بزه‌دگی را از متغیرهای مختلفی، متأثر می‌دانند. در این راستا، متغیرهای زیر بررسی شده‌اند:

#### ۳-۴-۱. (نا)برخورداری ساختاری

شماری از آیات، ویژگی‌هایی را برای برخی محیط‌ها برشمرده‌اند که بیانگر مؤلفه وفور منابع در آنهاست. تأثیر این مؤلفه در برخورداری ساکنان و پیامدهای این برخورداری در کنش‌ها و روابط اجتماعی و کج‌روی آنان در گزاره‌های زیر قابل مشاهده‌اند:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۴۷	انعام: ۶	...چقدر اَمّت‌ها را ... برخوردار نموده ... [باران] پیاپی بر آنها فرستاده و رودها زیر [پا] شان روان ساخته، پس در اثر گناهان‌شان هلاک‌شان کردیم. ....	امنیت، وفور نعمت و در دسترس بودن روزی (در دسترس بودن منابع قدرت و ثروت) در بسیاری امت‌ها و شهرها، زمینه سرمستی، غرور، ناسپاسی و شیوع سرکشی، گناه و زشت‌کاری (جمعی) بوده است.
۴۸	نحل: ۱۱۲	و خدا شهری را مثل زده که امن و امان بود [و] روزیش از هر سو فراوان می‌رسید... پس	
۴۹	فصلت: ۱۵	... عادیان، به‌ناحق، ... گردنکشی کرده و گفتند از ما نیرومندتر کیست؟ ... و آیات ما را انکار می‌کردند.	برخورداری‌ها و توانمندی‌های قوم عاد، زمینه برتر دیدن خود، کبر ورزیدن، سرکشی (خروج از اعتدال، تعدی به دیگران، ...) و انکار آیات خدا از سوی آنان بوده است.

مضمون نابرخورداری ساختاری نیز با ترسیم مؤلفه فقدان منابع در محیط، مطرح شده و پیوند آن با بی‌قدرتی اعضا و، در پی آن، کج‌روی و بزه‌دگی آنها - به‌ویژه، قشرهای آسیب‌پذیری مانند کودکان - در گزاره‌های زیر مورد توجه قرار گرفته است:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۵۰	بقره: ۱۵۵	قطعاً شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهشی در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزمایم و مژده ده شکیبایان را.	نابرخورداری‌ها و مصائب جمعی (گرسنگی، کاستی در دارایی‌ها، جان‌ها و محصولات، زبان‌های جسمی و اقتصادی و...) و بیم‌ها و اضطراب‌های همراه آنها، زمینه ضعف یا ناشکیبایی در پای‌بندی به ارزش‌ها و هنجارهای الهی است.
۵۱	انعام: ۱۵۱	...فرزندان خود را از سر تنگدستی نکشید...	خشکسالی، قحطی، و مشکلات اقتصادی، با ایجاد هراس (جمعی) از فقر و گرسنگی، زمینه شکل گرفتن و جمعی شدن فرزندکشی در برخی قبایل عرب بوده است.
۵۲	نحل: ۵۸-۵۹	و چون یکی از آنها را به دختر، مژده دهند ... * ... از قبيله، روی می‌پوشاند. او را با خواری نگاه دارد یا در خاک پنهانش کند؟ ...	قبایل مشرک عرب، به علل زیر، فرزندان دختر و نگاه‌داری آنها را مایه خواری می‌دیدند: تنگی معیشت، مناسب نبودن آنها برای تولید و کسب درآمد، آسیب‌پذیری از حملات همسایگان و بیم اسارت و تعدی بدیشان.

#### ۴-۳-۲. پایگاه اجتماعی

منزلت اجتماعی و ویژگی‌های نگرشی و کنشی مشابه ناشی از برخوردار یا نا برخوردار، مضمونی همخوان با پایگاه اجتماعی است. تأثیر این متغیر بر قدرت یا مؤلفه‌های اثرگذاری آن، از جمله، در دو دسته گزاره زیر دیده می‌شود:

۱. گزاره‌های زیر، پایگاه اجتماعی را زمینه (فقدان) قدرت می‌دانند. و نقش آن را در اثرگذاری‌های این متغیر را در محورهایی چون تعریف کجروی، تعیین کجرو، کنترل الزام‌گر و نیز کجروی واجدان و بزه‌دیدی فاقدان ترسیم می‌کنند:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۵۳	فرقان: ۱۸	... آنها و پدرانشان را برخوردار کردی تا آنجا که ذکر را از یاد بردند و گروهی هلاک شده بودند.	برخورداری نسلی (پایگاه برخوردار)، زمینه (حس) بی‌نیازی و حقانیت و این عناصر، زمینه غفلت از خدا و آموزه‌های الهی (به‌عنوان عناصر کنترل‌کننده) و فرو رفتن در شهوت‌ها و گناه بود.
۵۴	زخرف: ۳۱-۲۹	... آنها و پدرانشان را برخوردار دادم ... * و چون حق به سوبشان آمد، گفتند ... قطعاً ما منکر آنیم ... * چرا این قرآن بر مرد بزرگی ... فرود نیامده است؟	برخورداری نسلی (پایگاه برخوردار)، زمینه (حس) حقانیت و برتری و این عناصر، زمینه غلبه نگرش پایگاهی در تحلیل جایگاه پیامبر ﷺ و آموزه‌های الهی و تکذیب و نقض آنها بود.
۵۵	نساء: ۲۵	... کنیزان مؤمن ... چون به احسان در آمدند، اگر زشتی‌ای کردند ... بر آنها نیمی از مجازات زنان آزاد است ...	فرو دستی (پایگاهی) کنیزان، زمینه بی‌قدرتی و قرار گرفتن در معرض فشارهای کجروانه مالکان و شکنندگی و کجروی و بزه‌دیدی (جنسی) آنها بوده است.

۲. گزاره‌های پیش‌گفته زیر، تأثیر پایگاه اجتماعی هنجارگذاران و آماج‌های هنجارها را در اثرگذاری قدرت در تعریف کجروی و تعیین کجرو نشان می‌دهند:

گزاره پیشین	برداشت مرتبط
۱۳	پایگاه اجتماعی واجدان، زمینه مداخله آنان در تعریف کجروی / تعیین کجرو
۱۴، ۱۵	پایگاه اجتماعی فاقدان، زمینه اثرگذاری قدرت در تعریف کجروی / تعیین کجرو

افزون بر این، گزاره‌های پیش‌گفته زیر به تأثیر قدرت بر پایگاه اجتماعی اشاره دارند.<sup>۱</sup> و در کنار گزاره‌های قبل، پیوند دوسویه این دو متغیر را، از نگاه قرآن، نشان می‌دهند.

گزاره پیشین	برداشت مرتبط
۲۳، ۲۲	عملکرد واجدان در محروم کردن برخی گروه‌ها و قشرها از منابع، مزایا و منزلت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و واگذارن آنها به گروه‌های هم‌سو.
۲۴	برنامه‌ریزی سران منافقان برای تضعیف منزلت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مسلمانان.

#### ۴-۳-۳. سبک زندگی

تأثیر سبک زندگی بر قدرت را دو دسته گزاره‌های زیر نشان می‌دهند:

۱. گزاره‌های زیر، برخی سلوکه‌های کجروانه را زمینه نابخورداری ساختاری می‌دانند (که تأثیر آن بر بی‌قدرتی و، در پی آن، کجروی و بزه‌دگی اعضا پیش‌تر نشان داده شد):

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۵۶	بقره: ۶۱	... خواری و ناداری بر آنها رقم خورد ... از آن رو که ... به آیات خدا کفر ورزیده و پیامبران را به ناحق می‌کشند ... سرکشی کرده و از حد می‌گذرانند.	سلوک کجروانه بنی اسرائیل (پس از پیروزی نهضت موسی علیه السلام و دستیابی به منزلت و قدرت اجتماعی)، زمینه نسل‌ها (حس) خواری و بزه‌دگی ناشی از سلطه جباران بر آنها بود.
۵۷	نحل: ۱۱۲	.. شهری... امن وامان بود [و] روزیش از هرسو فراوان بدان می‌رسید ... پس ... ناسپاسی کرد. پس، خدا ... (طعم) پوشش گرسنگی و ترس را بدان چشائید.	زشت‌کاری و کفران (اهالی) شهرهای برخوردار و ایمن، زمینه ابتلای آنان به گرسنگی و هراس فراگیر بوده است.
۵۸	روم: ۴۱	به سبب آنچه دستان مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شد....	سرپیچی (جمعی) از ارزش‌ها و هنجارهای الهی، زمینه بلایای طبیعی و حوادث اجتماعی و نابخورداری ناشی از آن است.

۲. گزاره‌های آتی که این سلوک‌ها را زمینه نابخورداری - یا تغییر پایگاه اجتماعی - افراد و گروه‌ها و این دو را زمینه بی‌قدرتی و بزه‌دگی ناشی از آن می‌دانند:

۱. به بیان دیگر، توجه می‌دهند که واجدان در فرایند جهت‌دهی ساختارهای اجتماعی، سطح دسترسی قشرها و گروه‌های هم‌سو و ناهم‌سو به منابع و منزلت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را تغییر می‌دهند: تا موازنه قدرت را، به سود خود، دگرگون کنند.

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۵۹	طه: ۱۲۴	و هر که از یاد من دل بگرداند، قطعاً معیشت تنگی خواهد داشت...	دل گرداندن از یاد خدا - به‌عنوان نوعی نگرش/سلوک کج‌روانه - زمینه (حس) نابرخورداری / ناگشودگی است.
۶۰	حج: ۸-۹	...بی‌دانش ... درباره خدا جدل کند * ... تا از راه خدا گمراه سازد. در دنیا برای او خواری است...	مجادله بدون دانش درباره خدا، برای گمراه ساختن دیگران، زمینه خواری در زندگی است.
۶۱	فجر: ۱۶-۱۹	...چو...روزیش را ... تنگ کند، گوید: ... خوادم کرده * ... بلکه یتیم را نمی‌نوازد * و بر اطعام بینوا، بر نمی‌انگیزد * و میراث را چپاولگرانه می‌خورید.	برخی سلوک‌های کج‌روانه (ننواختن یتیم، برنیانگختن بر اطعام بینوایان، چپاول میراث‌ها)، زمینه (حس) نابرخورداری / ناگشودگی هستند.

این گزاره‌ها در کنار مواردی که از تأثیر (فقدان) قدرت بر سبک زندگی حکایت دارند، پیوند دوسویه این دو متغیر را، از نگاه قرآن، نشان می‌دهند. این تأثیر را، از جمله، می‌شود در جمع دو دسته گزاره زیر دید: ۱. آنها که پیشتر تأثیر قدرت را بر پایگاه اجتماعی نشان دادند؛ و ۲. گزاره‌های زیر که ویژگی‌های کنشی، نگرشی و خلقی مشابه در یک قشر را متأثر از پایگاه اجتماعی و میانجی پیوند آن با کج‌روی یا بزهدیدگی می‌دانند:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۶۲	فرقان: ۱۸	... آنها و پدرانشان را برخوردار کردی تا آنجا که ذکر را از یاد بردند و گروهی هلاک شده بودند.	برخورداری نسلی، زمینه دل‌بستگی / فریفتگی بدان، نگاه برخوردارانه به خود / دیگران / پیرامون، پندار حقانیت / صلاحیت فردی / گروهی و فرو رفتن در مادیات / شهوت / گناه و پیشرو بودن در مخالفت با پیامبران بود.
۶۳	زخرف: ۲۹-۳۰	... آنها و پدرانشان را برخوردار دادم * ... و چون حق به سویشان آمد، گفتند ... قطعاً ما منکر آنیم.	ویرگی‌های کنیزان (محصول بی‌قدرتی / فرودستی): نداشتن استقلال، آزادی عمل و تصمیم‌گیری، ابزار کسب درآمد و در اختیار (ملک) دیگران بودن، آماج فشار / در معرض بهره‌کشی (جنسی) بودن، سازگاری (درونی) / فرهنگی) با این موقعیت و، در نتیجه، ضعف / عدم حساسیت به کج‌روی (جنسی) و شکنندگی (در برابر آن) (در حد کاهش مسئولیت جزایی) و انتقال فرهنگی آنها (در اثر جامعه‌پذیری و...).
۶۴	نور: ۳۳	... کنیزان خود را ... در طلب متاع زندگی دنیا به فحشا و مدارید ...	
۶۵	نساء: ۲۵	... کنیزان مؤمن ... چون به احسان در آمدند، اگر زشتی‌ای کردند ... بر آنها نیمی از مجازات زنان آزاد است ...	

#### ۴-۳-۴. تضاد

قرآن، تعارض منافع و علائق واحدهای اجتماعی را یکی از ارکان زندگی و نظام اجتماعی، لازمه اساسی بقا و تکامل آنها می‌داند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۹۳-۲۹۵؛ مکارم و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۴۷-۲۴۹؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۳۹۱-۳۹۲؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۶۶؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۱۵۹-۱۶۱). و آن را بستر مهمی برای عملکرد

قدرت و مؤثر بر آن می‌شمرد. گزاره‌های زیر، تعارض منافع و علائق گروه‌های مسلط و تحت سلطه را زمینه‌انگیزی قدرت در محورهایی چون تعریف کجروی، تعیین کجرو، ربایش منافع، کنترل الزام‌گر و برخی کجروی‌های واجدان و بزه‌دیدگی فاقدان می‌دانند:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۶۶	هود: ۸۸-۸۷	گفتند: ... آیا نمازت به تو دستور می‌دهد آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند، رها کرده یا به میل خود در اموالمان تصرف نکنیم؟ ... *گفت: ... در آنچه ... نهی‌تان می‌کنم بنای مخالفت با شما را ندارم ...	واجدان، منافع خود را از ناحیه‌ی شعیب (علیه السلام) و آموزه‌های او در خطر می‌دیدند. و این، زمینه‌ی دشمنی آنها با این پیامبر و نفی و سرپیچی از آن آموزه‌ها بود.
۶۷	یونس: ۷۸	گفتند: آیا سوی ما آمده‌ای تا ... بزرگی در سرزمین، از آن شما دو تن باشد؟! ما به شما ایمان نداریم.	واجدان، موسی (علیه السلام) را بزرگی‌جو و تهدیدی برای اقتدار و باورها و ارزش‌هایشان می‌پنداشتند. و با این نگاه از ایمان آوردن به او خودداری می‌کردند و آموزه‌هایش را پذیرفتنی نمی‌دیدند.
۶۸	اعراف: ۱۲۷	...گفتند: آیا موسی و قومش را وای می‌نهی تا ... تو و خدایانت را رها کند؟ ... گفت: به‌زودی پسرانشان را می‌کشیم و زناشان را زنده می‌داریم...	پای‌بندی موسی (علیه السلام) و پیروانش به آموزه‌های معارض با باورها و ارزش‌های فرعون و واجدان، زمینه‌ی تهدید تلقی شدن آنها برای حکومت فرعون و واکنش خشن آن بود.

#### ۴-۳-۵. پوشش دادن

برخی گزاره‌های قرآنی به نقشی اشاره دارند که پوشش دادن -یا پندار وجود آن در نگاه یکی از طرفین تضاد- در کجروی (واجدان) یا واکنش قدرت دارد. مثلاً، در گزاره‌های زیر می‌بینیم که فرعون، تعیین باورها، ارزش‌ها و کنش‌های افراد و گروه‌های تحت سلطه‌اش را در صلاحیت خود می‌دید. و بر این اساس به تعریف و ارزیابی باورها، ارزش‌ها، کنش‌ها و حتی خود آنها می‌پرداخت. و در برابرشان واکنش نشان می‌داد:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۶۹	قصص: ۳۸	و فرعون گفت ... جز خود برایتان خدایی نشناسم ... و من قطعاً او را از دروغگویان می‌دانم.	فرعون، خود را تنها معبود اطرافیان و مردم می‌شمرد. لذا، موسی (علیه السلام) را دروغگو و آموزه‌هایش را دروغین می‌خواند.
۷۰	شعرا: ۲۹	[فرعون] گفت: اگر خدایی جز من برگزینی، قطعاً تو را از زندانبانان سازم.	فرعون، موسی (علیه السلام) را تهدید می‌کرد که اگر معبودی جز او برگزیند، کیفر خواهد شد.
۷۱	اعراف: ۱۲۳ شعرا: ۴۹ طه: ۷۱	فرعون گفت: آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم، بدو ایمان آوردید؟...	فرعون، ساحران را -چون بی‌اذن او به موسی (علیه السلام) گرویدند- شایسته‌ی کیفر می‌دید.

گزاره‌های آتی نیز بیانگر آنند که واجدان، چون باورها، ارزش‌ها و علائق و منافع خود را آماج آموزه‌های پیامبران (علیهم السلام) می‌دیدند، در برابر آنها واکنش نشان می‌دادند:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۷۲	اعراف: ۱۲۷	و سران قوم فرعون گفتند: آیا موسی و قومش را وای می‌نهی تا در سرزمین فساد کنند و [موسی] تو و خدایانت را رها کند؟ ...	واجدان، باورها و ارزش‌های خود و اقتدار حکومت را آماج آموزه‌ها و اعمال موسی <small>علیه السلام</small> و پیروان او و در معرض تهدید آنها می‌دیدند. لذا، آنها را به فساد متهم و فرعون را به واکنش دعوت می‌کردند.
۷۳	هود: ۲۷	... سران ... گفتند ... نینیم جز .. فرومایگان ... کسی پیرویت کرده باشد و شما را دارای امتیازی بر خود نمی‌بینیم، بلکه دروغگوتان می‌دانیم.	واجدان، چون خود و علائق و منافع‌شان را آماج دعوت و آموزه‌های نوح <small>علیه السلام</small> می‌دیدند، از آنها سربیزی و حقانیت‌شان را نفی می‌کردند.
۷۴	هود: ۸۷، ۹۱	گفتند: ... نمازت به تو فرمان می‌دهد ... به میل خود در اموالمان تصرف نکنیم؟ * ... * * ... * ... همانا تو را بین خود، ضعیف می‌بینیم...	واجدان، شعیب <small>علیه السلام</small> و آموزه‌های او را، در تعیین مسیر برای خود، ناتوان یا ناصالح می‌شمردند. و با این استدلال، از آموزه‌هایش سربیزی و در برابرش واکنش نشان می‌دادند.

#### ۴-۳-۶. مزاحمت

گزاره‌های پیش‌گفته زیر نقشی را نشان می‌دهند که مزاحمت در تحقق هدف‌ها، عملکردها و ایدئولوژی واجدان به‌عنوان یکی از عناصر تعریف کج‌روی و تعیین کج‌رو یا در ابعاد دیگری از اثرگذاری قدرت - مانند کنترل الزام‌گر - دارد:<sup>۱</sup>

گزاره	برداشت مرتبط
۳۴ (و ۴۰، ۴۱)	(سران) قوم شعیب <small>علیه السلام</small> ، آموزه‌های او را مخالف پی‌جویی (آزادانه) منافع خود می‌دیدند. پس، آنها را ناروا شمرده، نقض می‌کردند. و در برابرشان (با تهدید به اخراج یا سنگسار) واکنش نشان می‌دادند.
۳۵	پندار مزاحم بودن آموزه‌ها و اعمال موسی <small>علیه السلام</small> و پیروان او برای باورها و ارزش‌های حاکم، اطرافیان فرعون را واداشت تا آنان را به فساد کردن متهم کنند و فرعون را به مجازات‌شان برانگیزند.
۴۲	فرعون، ساحران ایمان آورده به موسی <small>علیه السلام</small> را - به سبب برگزیدن آموزه‌های مزاحم خدایی‌اش - کج‌رو و آماج کنترل (شکنجه و قتل) می‌شمرد.

در ادامه متغیرهای یاد شده، گزاره‌هایی که در جدول‌های زیر آمده‌اند، به شمار دیگری از متغیرهای اثرگذار بر قدرت و محورهای اثرپذیری آن، اشاره دارند:

- اثر امتیازات فردی بر [(پندار) صلاحیت] بر خورداری از قدرت:

۱. شماری از آیات نیز، با اشاره به اثرپذیری پوشش دادن و مزاحمت از ویژگی‌ها و مؤلفه‌های اثرگذاری قدرت، به پیوند متقابل آنها توجه داده‌اند که در اینجا از بیان آنها صرف‌نظر شده است. مثلاً، شکل‌گیری علائق متعارض در اثر نگرش روانی واجدان (مؤمنون، ۲۴-۲۵؛ یونس، ۷۸) یا ترفندهای تحکیم حاکمیت (گزاره ۳۲) یا اثر پذیرفتن (پندار) پوشش دادن از قانون‌ناپذیری (قصص، ۳۸-۳۹؛ هود، ۸۷).

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۷۵	بقره: ۲۴۷	...گفتند: ... به فرمانروایی از او سزاوارتریم ... [پیامبر] گفت: همانا خدا او را ... برگزیده و با وسعت در دانش و [نیروی] بدن، فزونی‌اش داده است...	توانمندی جسمی / علمی (دست‌کم، از نگاه مدعیان قدرت و حکومت) زمینه‌دستیابی بدان‌ها یا نشانه (قابل قبولی از) لیاقت یا توان برخورداری از آنها (بوده) است.
۷۶	یوسف: ۸-۹	...گفتند یوسف و برادرش نزد پدرمان از ما - که جمعی نیرومندیم - محبوب‌ترند ... * یوسف را بکشید یا ... تا توجه پدر معطوف شما گردد ...	برادران یوسف (عَلِیَّ) با توجه به توان و نقشی که در اداره زندگی و تأمین نیازهای خانواده داشتند، خود را لایق جایگاه برتر در نظر پدر و مدیر خانواده می‌دیدند.
۷۷	منافقون: ۴	و چون آنان را بینی، هیکل‌هاشان به شگفتت آرد و چون سخن گویند سخنانشان را می‌شنوی ...	زیبایی چهره / بدن، زمینه (برخورداری از) نفوذ اجتماعی است.

- اثر نگرش (هستی‌شناختی) واجدان در شکل‌گیری گونه‌های قدرت:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۷۸	قصص: ۳۹، ۴۱	و او (فرعون) و لشکریانش ... پنداشتند به سوی ما بازگردانده نمی‌شوند * ... * و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به سوی آتش می‌خوانند.	نگرش مادی واجدان به هستی (باور نداشتن خدا، معاد و...)، زمینه سرکشی آنها در برابر ارزش‌ها و هنجارهای الهی و پیشوایی به سوی آتش بوده است.
۷۹	انبیاء: ۷۳	...رهبرانی ... به امر ما هدایت می‌کردند و آنان فقط پرستنده ما بودند.	خود را بنده خدا دیدن، زمینه هدایت‌گری برخی پیشوایان به باورها، ارزش‌ها و هنجارهای الهی (امر خداوند) بوده است.
۸۰	سجده: ۲۴	...رهبرانی ... به امر ما هدایت می‌کردند. چون صبوری کرده و به آیات ما یقین داشتند.	یقین به آیات الهی، زمینه هدایت‌گری برخی پیشوایان به باورها، ارزش‌ها و هنجارهای الهی (امر خداوند) بوده است. <sup>۱</sup>

#### ۴-۴. میانجی‌ها

قرآن در تحلیل حضور قدرت در روابط اجتماعی یا پیوند با کج‌روی و بزه‌دیدگی، متغیرهای مختلفی را به‌عنوان میانجی معرفی کرده است. این متغیرها در سطوح مختلف تحلیل -فردی (زیستی و روانی)، بین‌فردی و جمعی- و در قشرهای مختلف واجدان و فاقدان، مسلط و تحت سلطه مورد توجه قرار گرفته‌اند. شماری از آنها عبارتند از:

۱. وجدان جمعی: گزاره‌های آتی، دو مؤلفه این عنصر -عواطف جمعی و باورها، ارزش‌ها، سنت‌ها- را میانجی تأثیر قدرت در محورهای جهت‌دهی و ترویج هنجار و اثر بی‌قدرتی بر بزه‌دیدگی فاقدان و انواعی از کج‌روی‌های واجدان و فاقدان می‌دانند:

۱. این دو گونه واگرا - که با تعبیر امامان نور و امامان نار از آنها یاد شده است - به دو دسته از صاحبان قدرت اشاره دارند که در دو مسیر متعارض هدایت‌های الهی و باورها، ارزش‌ها و هنجارهای مخالف و حاکم کردن آنها در جامعه تحت سلطه خود، گام برمی‌دارند.



ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۸۱	زخرف: ۲۳	...درهیچ شهر ... هشداردهنده‌ای نفرستادیم جز آنکه برخوردارانش گفتند ... پدران خود را بر آیینی یافته و ... ما قطعاً پیرو آثار آنانیم.	(پیروی از) سنت‌ها، ابزار مرفهان و سران قوم برای مقابله با پیامبران <small>علیهم‌السلام</small> و آموزه‌های آنها و جهت دادن افکار و عواطف جمعی در این مسیر بود.

گزاره	برداشت مرتبط
۲۷	یادآوری باورها و ارزش‌های جاهلی، ابزار مقابله حاکمان و مرفهان با پیامبران <small>علیهم‌السلام</small> و پیروان آنان، تضعیف و نفی اجتماعی آموزه‌های (الهی) ایشان و ترویج باورها، ارزش‌ها و هنجارهای هم‌سو بود.
۵۲	مایه‌خواری محسوب شدن فرزندان دختر، یک مؤلفه عواطف جمعی در قبایل عرب و ارزش‌ها و سنت‌های آنها، متأثر از تنگی معیشت قبیله، پایگاه اجتماعی و اقتصادی دختران و آسیب‌پذیری آنان از حملات همسایگان و زمینه‌مشروعیت یافتن قتل فرزندان و نوزادان دختر و شیوع این کج‌روی و بزه‌دگی ناشی از آن بود.

## ۲. حمایت اجتماعی: گزاره‌های زیر، این متغیر را میانجی اثرگذاری قدرت در محورهای

جهت‌دهی (روابط و ساختارهای اجتماعی)، کنترل الزام‌گر و ربایش منافع می‌دانند:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۸۲	هود: ۹۱	گفتند: شعیب! ... تو را بین خود، ضعیف می‌بینیم و اگر عشیره‌ات نبود، قطعاً سنگسارت می‌کردیم...	وجود منبعی برای حمایت اجتماعی از شعیب <small>علیه‌السلام</small> مانع توسل واجدان به ابزارهای خشن کنترل علیه ایشان بود.

گزاره پیشین	برداشت مرتبط
۲۴	جلوگیری از حمایت اجتماعی از مسلمانان، ترفند سران منافقان برای تضعیف موقعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنها بود.
۳۷	حامی نداشتن اقلیت مسلمان، زمینه‌قرار گرفتن آنان در معرض غارت‌ها و ربایش‌های گروه‌های قدرتمند و وابسته به جریان (مشرك) حاکم بود.

## ۳. فشار هم‌نوایی: گزاره‌های زیر بیانگر نقش میانجی این متغیر در تأثیر وجدان جمعی بر

بزه‌دیدگی فادان و اثرگذاری قدرت در محورهای جهت‌دهی و ترویج هنجارند:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۸۳	نحل: ۵۸-۵۹	و چون یکی از آنها را به دختر، مژده دهند ... * ... از قبیله، روی می‌پوشاند. او را با خواری نگاه دارد یا در خاک پنهانش کند؟...	عواطف و سنت‌های قبایل عرب درباره‌ی خواری شمردن دختران، فرد دختردار شده را آماج فشارهای روانی و اجتماعی قرار می‌داد و این زمینه‌رو آوردن او به قتل فرزند بود.
۸۴	نساء: ۹۸	مگر آن مردان و زنان و کودکان مستضعف که چاره‌جویی نتوانند و راهی نیابند.	در مکه، مردان، زنان و کودکان مسلمان برای دست برداشتن از اسلام و هم‌سو شدن با اکثریت مسلط و برخوردار کافر و مشرك، آماج فشارهای شدید روانی، مالی، جسمی آنها بودند.
۸۵	بقره: ۱۴	و چون آنها را که ایمان آورده‌اند ببینند، گویند: ایمان آوردیم. و چون با شیطان‌هاشان خلوت کنند، گویند: قطعاً با شما ایم. ما فقط [آنان را] ریشخند می‌کنیم.	برخی منافقان در پی دیدار با مسلمانان، تصور یا مشاهده می‌کردند سران‌شان در همراهی آنان، تردید کرده‌اند. پس، تأکید می‌کردند همراهی‌شان با مسلمانان، ظاهری و نوعی «ریشخند کردن» آنهاست.

۴. برچسب‌زنی: گزاره‌های پیش‌گفته زیر، برچسب‌زنی را میانجی یا ابزار تعیین کج‌رو و واکنش سیاسی یا میانجی تأثیر وجدان جمعی در بزه‌دیدگی فاقدان، قلمداد کرده‌اند:

گزاره پیشین	برداشت مرتبط
۱۸	واجدان، فاقدان - به‌ویژه مخالفان (دیندار) - را با زدن برچسب‌هایی مانند گمراه، دیوانه و بدشگون، کج‌رو و ناهم‌سو با منافع جمعی قلمداد می‌کردند.
۳۵	برچسب فساد خوردن موسی <small>عليه السلام</small> و پیروان او چون واجدان، آموزه‌ها و اعمال آنها را زمینه ترک شدن باورها و ارزش‌های حاکم و تهدیدی برای آنها و اقتدار حکومت می‌دیدند.
۸۲	عواطف و سنت‌های قبایل عرب درباره مایه خواری شمردن دختران، فرد دختردار شده را آماج داوری منفی می‌ساخت و این زمینه رو آوردن او به کشتن فرزند می‌شد.

۵. یادگیری: گزاره‌های پیش‌گفته زیر، این متغیر را میانجی اثرگذاری قدرت در محور جهت‌دهی و تأثیر پایگاه اجتماعی در بزه‌دیدگی فاقدان معرفی می‌کنند:

گزاره	برداشت مرتبط
۲۰، ۱	(مشاهده) دارایی‌های واجدان مشرک، زمینه گرایش افراد به این برخورداری / سبک زندگی و شکل‌گیری نگرش‌ها (و کنش‌ها) ی هم‌سو در آنان بود.
۲۶	تحریف (ارائه شناخت‌های تحریف شده از) واقعیت‌ها و ارزش‌ها یک ابزار فرعون در ترویج باورها، ارزش‌ها و هنجارهای هم‌سو و تضعیف باورها، ارزش‌ها و آموزه‌های (الهی) مخالفان بود.
۶۵	جامعه‌پذیری و یادگیری، زمینه جمعی شدن ویژگی‌هایی مانند عزت نفس پایین، ضعف خوب‌ستن‌داری و شکنندگی در برابر فشارهای کج‌روانه (جنسی) در کنیزان بوده است.

۶. محرومیت نسبی: گزاره‌های زیر، میانجی‌گری این متغیر را در اثرگذاری قدرت در دو محور جهت‌دهی (نگرش و کنش) و واکنش سیاسی و نیز کج‌رویی واجدان نشان می‌دهند:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۸۶	قصص: ۷۹	پس با زینت‌های خود بر قومش نمایان شد ... گفتند: کاش مثل آنچه به قارون داده‌اند به ما می‌دادند. او واقعاً بهره‌برگزی دارد.	مقایسه دارایی‌های واجدان مشرک و داشته‌های خود، زمینه گرایش افراد به آن برخورداری / سبک زندگی و شکل‌گیری نگرش‌ها (و کنش‌ها) ی هم‌سو در آنان بود.
۸۷	بقره: ۲۴۷	...گفتند: چگونه او را بر ما فرمانروایی است؛ با آنکه ما به حکومت از او سزاوارتریم و او را در مال، گشایشی نداده‌اند...	مقایسه برخورداری‌های خانوادگی و مالی با داشته‌ها و امتیازات (اعطایی به) فرمانروای برگزیده خدا، زمینه نفی حاکمیت و سرپیچی از اطاعت او از سوی واجدان بنی اسرائیل بود.
۸۸	زخرف: ۳۱-۳۹	... آنها و پدرانشان را برخورداری دادم ...* و چون حق به سویشان آمد، گفتند ... قطعاً ما منکر آنیم* ... چرا این قرآن بر مرد بزرگی ... فرود نیامده است؟	مقایسه برخورداری‌های خود و امتیازات (اعطایی به) پیامبر <small>صلى الله عليه وآله</small> ، زمینه انکار صلاحیت رسالت و حقانیت آموزه‌های الهی او و درستی پیروی از آنها (از سوی واجدان مکه) بود.

۷. فریبندهای: گزاره‌های زیر به وجود عناصری در پیشینه و نگرش واجدان توجه می‌دهند که به کنش‌های آنها، ارزشی بیش از انجام یک کنش می‌داده و با تقویت انگیزه ارتکاب آنها، نوعی میانجی تأثیر قدرت در کجروی این قشر بوده است:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۸۹	هود: ۱۱۶	...و آنان که ستم کردند، در پی ناز و نعمتی که در آن بودند رفتند و مجرم بودند.	برخوردارهای واجدان، زمینه فریفتگی بدان‌ها و این زمینه ستمکاری و جرم آنان بوده است.
۹۰	تکاتر: ۲-۱	فزون‌طلبی و فخر فروشی، شما را به خود مشغول داشت* تا اینکه به دیدار قبرها رفتید.	برخوردار، زمینه فریفته شدن افراد بدان و این زمینه غافل ماندن آنها از راه خدا یا پیامدهای کنش‌ها است.

گزاره پیشین	برداشت مرتبط
۶۳، ۶۴	برخوردار، نسلی، زمینه دل‌بستگی / فریفتگی بدان و این زمینه فرو رفتن در مادیات / شهوت / گناه و پیشرو بودن در مخالفت با پیامبران بود.

۸. دوراهی اجتماعی: گزاره‌های آتی، این متغیر را میانجی تأثیر وجدان جمعی در بزه‌دیدی فاقدان و برخی کجروی‌های آنان معرفی می‌کنند:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۹۱	نحل: ۵۸-۵۹	و چون یکی از آنها را به دختر، مژده دهند ... * ... از قبیله، روی می‌پوشاند. او را با خواری نگاه دارد یا در خاک پنهانش کند؟...	عواطف و سنت‌های قبایل عرب درباره مایه خواری شمردن دختران، فشارهای روانی و اجتماعی همراهی و داوری منفی جمع، فرد دختردار شده را بر سر دوراهی عاطفه و منزلت اجتماعی، قرار می‌داد. و به گزینش دومی وامی‌داشت.
۹۲	نساء: ۱۴۱	... اگر ... به شما فتحی رسد، گویند: مگر با شما نبودیم؟ و اگر کافران نصیبی یابند، گویند: مگر ... تشویق‌تان نمی‌کردیم؟...	سودگرایی منافقان و قرار گرفتن آنان بر سر دوراهی منافع متعارض همراهی با کافران و مسلمانان، زمینه نفاق‌ورزی‌های ایشان بوده است.
۹۳	نساء: ۱۴۳	در این میان، سرگردانند. نه متمایل به این سویند؛ و نه بدان سو ...	سرگردانی در دوراهی همراهی با قدرت‌های متعارض (کافران و مسلمانان)، زمینه نفاق‌ورزی‌های منافقان بوده است.

۹. خنثی‌سازی: گزاره‌های آتی، خنثی‌سازی را میانجی (ابزار) تأثیر قدرت در محورهای جهت‌دهی، ترویج هنجار و کنترل الزام‌گر و برخی کجروی‌های فاقدان می‌دانند:

ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۹۴	غافر: ۲۹	... فرعون گفت جز آنچه می‌بینم، به شما ننمایم. و شما را جز به راه راست راهبر نیستیم.	فرعون برای موجه جلوه دادن تصمیم قتل موسی (علیه السلام) می‌گفت قصدش صرفاً رعایت صلاح مردم و هدایت به راه راست است.
۹۵	ص: ۶	بزرگان‌شان ... [گفتند: بروید و بر معبودهاتان پایداری کنید. این، آن است که خواسته می‌شود.	واجدان، در مقابله با آموزه‌های (الهی) پیامبران: و ترویج باورها، ارزش‌ها و هنجارهای موافق با منافع خود، آنها را هم‌سو با سنت‌های پیشین معرفی می‌کردند.
۹۶	مائده: ۵۲	... در آنها شتاب‌کنند. گویند: می‌ترسیم حادثه‌ای برای ما پیش آید... .	منافقان به سبب برخورداری‌های کافران بدان‌ها گرایش نشان می‌دادند. و در مواجهه با مسلمانان، این گرایش را مجبورانه و علت را ترس از (بی‌پناه ماندن در) حوادث، قلمداد می‌کردند.

۱۰. شکنندگی: گزاره‌های زیر، شکنندگی فاقدان در برابر انگیزش‌ها و فشارهای واجدان را میانجی اثرگذاری‌های قدرت و کج‌روی و بزه‌دیدگی فاقدان می‌داند:

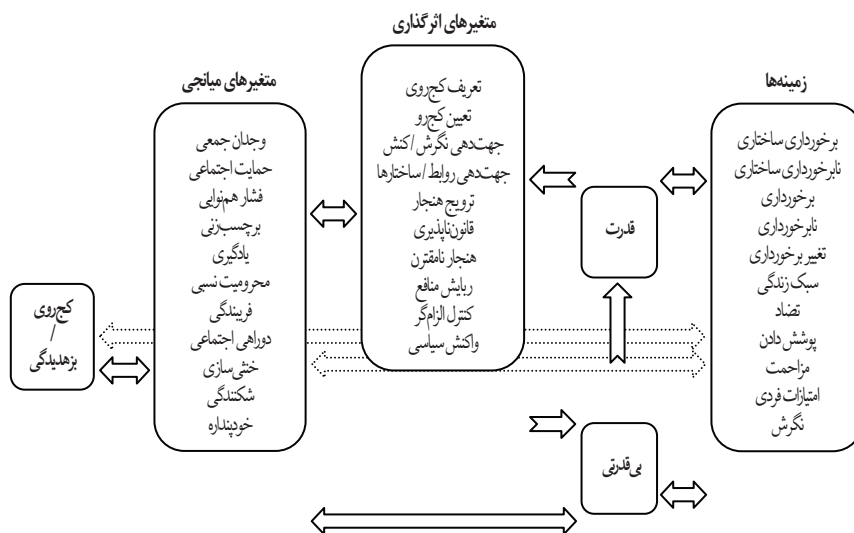
ردیف	آیه	ترجمه (فراز مرتبط)	گزاره
۹۷	سبأ: ۳۳-۳۱	... آنها که زبردست بودند بدان‌ها که برتری می‌جستند، گویند: اگر شما نبودید، قطعاً ما مؤمن بودیم * ... * ... نیرنگ شب و روز [ شما بود] ... که وامی‌داشتید به خدا کفر ورزیم و برایش همتایانی قرار دهیم... .	اثرپذیری فاقدان از فریب‌ها یا اجبارهای واجدان، زمینه کافر شدن یا کافر ماندن آنها بوده است.
۹۸	ابراهیم: ۲۱	و همه در برابر خدا ظاهر شوند ... ناتوان‌ها بدانان که برتری می‌جستند، گویند همانا ما پیرو شما بودیم.	(روحیه) انقیاد و اثرپذیری فاقدان در برابر واجدان، زمینه کافر شدن / ماندن آنها بوده است.

گزاره پیشین	برداشت مرتبط
۵۵	فروستنی (پایگاهی) کبیزان، زمینه شکنندگی آنان در برابر فشارهای کج‌روانه مالکان و این زمینه کج‌روی و بزه‌دیدگی (جنسی) آنها بوده است.

۱۱. خودپنداره: گزاره‌های زیر، خودپنداره را میانجی پیوند (نا)برخورداری با بزه‌دیدگی فاقدان و کج‌روی واجدان / فاقدان و تأثیر قدرت در ربایش منافع و هنجار نامقترن می‌دانند:

گزاره پیشین	برداشت مرتبط
۶، ۲۹، ۶۲ و ۶۳	(حس) برخورداری، زمینه پندار بی‌نیازی یا حقانیت و صلاحیت فردی / گروهی و این، زمینه تکبر در برابر توصیه رعایت ارزش‌ها و هنجارها (ی الهی)، پرهیز نداشتن از نقض آنها و سرکشی و مرزشکنی است.
۳۹	(حس) برخورداری، زمینه پندار برتری گروهی و این زمینه نادیده گرفتن علائق و منافع فاقدان در ارزش‌ها و هنجارها و ربایش منافع از آنان بوده است.
۸	نابرخورداری (تغییر منفی برخورداری)، زمینه پندار خوار شدن (توسط خدا) و قطع اعتماد، دل‌بستگی و امید بدو، پای‌بند نماندن به ارزش‌ها و هنجارهای الهی و تکذیب آنهاست.

در پایان، نمودار شماره ۲، الگوی یافت‌شده از پیوندهای قدرت و کجروی در گزاره‌های قرآنی را نشان می‌دهد:



نمودار ۲

## ۵. بحث و بررسی

درباره این تحقیق، دو نکته زیر شایان توجه است:

نخست، یافته‌های تحقیق ناظر به مضمون‌های کلی مطالعات کجروی‌اند. از این رو، نقاط افتراقشان با یافته‌های آن مطالعات، به‌خوبی آشکار نمی‌شود. با این حال، از ابعاد زیر، لازمه‌ای گریزناپذیر و نیز نقطه قوتی برای امثال این تحقیق‌اند:

- با توجه به ابتدایی بودن تحقیق، نقطه شروع مناسبی برای آند؛
  - از وفاق و پشتوانه علمی کافی برخوردارند. و بدین شکل، ما را از تحلیل قرآن براساس یافته‌های علمی غیرقطعی - که یکی از تهدیدهای تفسیر آن است - دور می‌کنند؛
  - با نشان دادن رویکردهای موجود در نظریه قرآنی، ابعاد این نظریه را ترسیم می‌کنند؛
  - کلیت پاسخ‌های قرآن را به پرسش‌های علوم اجتماعی درباره موضوع، مشخص می‌کنند؛
  - با توجه به دو ویژگی اخیر، در ترسیم مسیر برای پژوهشهای آتی، لازم و مفیدند.
- دوم، تحقیق در قلمرو علوم کاربردی انجام می‌شود. و باید براساس تبیین موضوع، راه‌های مدیریت و کنترل را پیشنهاد دهد (داونز و راک، ۱۹۹۸، ص ۳۲۷). این قابلیت در گزاره‌های قرآنی نیز وجود دارد. چون در نظام کنترل اجتماعی اسلامی، راهکارها براساس شناخت متغیرهای

اثرگذار بر کج‌روی و چگونگی تأثیر آنها، پیش‌بینی و تدوین می‌شوند.<sup>۱</sup> بدین شکل، شناخت راهکارهای کنترلی مرتبط با اثرگذاری‌های قدرت، بخش‌نهایی و تکمیلی این تحقیق است. اما، گستره و تنوع راهکارها بیش از آن بود که بتوان آنها را به‌عنوان بخشی از یک مقاله ارائه کرد. لذا، در اینجا یافته‌های تبیینی مطرح شدند تا زمینه ارائه تدابیر کنترلی در مقاله مستقل دیگری باشند.

## ۶. نتیجه و کاربرد

تحقیق پیش‌رو، بخشی از یک طرح پژوهشی است که بنا دارد نظریه متون مقدس اسلامی را در زمینه تبیین و کنترل کج‌روی ارائه کند. و به سبب گستردگی این نظریه و فراوانی گزاره‌های دینی مرتبط، کار را با شناسایی قطعه‌های مختلف آن پی گرفته است. بر این اساس، یافته‌های این مقاله، قطعه‌ای از نظریه قرآنی کج‌روی را ترسیم می‌کنند.

یافته‌ها بیانگر آنند که در تحلیل قرآن از مناسبات قدرت و کج‌روی و بزه‌دیدگی، ۳۱ متغیر از سطوح مختلف تحلیل، تلفیق و روابط آنها با تفصیلی مناسب و نگاهی جامع و نظام‌مند بررسی شده است. این تحلیل، نقش روابط قدرت در مناسبات‌های اجتماعی را مهم و فراگیر می‌داند. مناسبات آن با کج‌روی و بزه‌دیدگی را در بستر مناسبات غیرخدایی قدرت مطرح می‌کند. و محورهای کلی زیر را در بر دارد:

- کج‌روی‌ها و بزه‌دیدگی‌های مرتبط با قدرت و بی‌قدرتی؛
  - آثار قدرت و بی‌قدرتی در پیوند علی با کج‌روی و بزه‌دیدگی و به‌عنوان عنصری در تعریف کج‌روی و تعیین کج‌رو؛
  - اثرگذاری‌های قدرت در شش محور جهت‌دهی، قانون‌نابذیری، هنجار نامقترن، ربایش منافع، کنترل الزام‌گر و واکنش سیاسی؛
  - اثرپذیری‌های قدرت و حضور آن در روابط اجتماعی از زمینه‌های کلان، میانه و خرد؛
  - مداخله انواعی از میانجی‌های کلان، میانه و خرد در روابط بین متغیرهای یاد شده.
- یافته‌ها همچنین نشان می‌دهند که این تحلیل - که با فرهنگ جامعه اسلامی همخوان است - شناخت‌های تازه‌ای را درباره موضوع، عرضه می‌کند (مثلاً، در کم‌ترین سطح خود، شامل تلفیقی خاص از متغیرهای شناسایی شده است). و در قالب یک الگوی نظری قابل ارائه است. بدین شکل، این تحقیق، مراجعه به قرآن براساس پرسش‌های مطالعات کج‌روی را به‌عنوان یک بستر پژوهشی در علوم اسلامی و اجتماعی، معرفی می‌کند. و، به‌ویژه، به جایگاهی توجه می‌دهد که

۱. این نکته یکی از اصول مورد توجه در آموزه‌های اسلامی است. و، از جمله، در سخن زیر از امام سجاد (علیه السلام) بیان شده است: «آنکه دردش را نشناسد، دارویش تباهش می‌کند» (حلوانی، ۱۴۰۸، ص ۹۱، ش ۱۳؛ دیلمی، ۱۴۰۸، ص ۲۹۹).

متون مقدس اسلامی می‌توانند به‌عنوان یک منبع مطالعات علوم اجتماعی در بومی‌سازی و بهینه‌سازی فهم نظری این حوزه داشته باشند. موارد زیر نیز می‌توانند دستاوردهای دیگر تحقیق، به‌ویژه، در عرصه نظریه‌پردازی دینی در علوم اجتماعی باشند:

- تحلیل محتوای قرآن بر اساس پرسش‌های علوم اجتماعی، رویکرد پژوهشی مشترک در دو حوزه و زمینه‌ای برای گفتگوی آنهاست؛
- تحلیل محتوای کیفی می‌تواند ضوابط اسلامی تفسیر متون مقدس اسلامی را رعایت و، به‌عنوان یک ضرورت پژوهشی بین‌رشته‌ای، روایی تحقیق را در هر دو حوزه تأمین کند.

## منابع

- \* قرآن کریم.
۱. پورافکاری، نصرت‌الله (۱۳۷۳)، فرهنگ جامع روان‌شناسی و روان‌پزشکی معاصر، ج ۲، تهران: معاصر.
  ۲. توسلی، غلام‌عباس (۱۳۶۹)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
  ۳. جمعی از مؤلفان (۱۳۸۲)، روان‌شناسی اجتماعی: با نگرش به منابع اسلامی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه - سمت.
  ۴. جوادی یگانه، محمدرضا؛ سیدضیاء هاشمی (۱۳۸۴)، «تعارض نفع فردی و نفع جمعی (دوراهی اجتماعی) و عوامل موثر بر آن»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۶، ص ۱۴۱-۱۷۴.
  ۵. چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.
  ۶. حقی بروسوی، اسماعیل (بی‌تا)، روح البیان، ج ۴، [بی‌جا]، بیروت: دارالفکر.
  ۷. حلوانی، حسین بن محمد (۱۴۰۸)، نزهة الناظر وتنبیه الخاطر، ج ۱، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام.
  ۸. دورکیم، امیل (۱۳۶۸)، قواعد روش جامعه‌شناختی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: دانشگاه تهران.
  ۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۹)، درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران: کتابسرای بابل.
  ۱۰. دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن (۱۴۰۸)، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ج ۱، قم، مؤسسه آل‌البتین علیهم السلام.
  ۱۱. رازی، ابوالفتح حسین بن علی (۱۴۰۸)، روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۶، چ ۱، مشهد: آستان قدس رضوی.
  ۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، بیروت: دارالعلم، الدارالشامیه.
  ۱۳. رجب‌زاده، احمد، مسعود کوثری (۱۳۸۱)، «آنومی سیاسی در اندیشه دورکیم»، علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ش ۳۷، ص ۳۱-۴۵.
  ۱۴. رجبی، محمود (۱۳۸۳)، «قانون‌مندی جامعه و تاریخ»، فصلنامه تاریخ در آینده پژوهش، س ۱، ش ۲، ص ۲۳-۶۳.
  ۱۵. رشه، گی (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز: مجموعه بزرگان علوم انسانی (۲)، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: تیان.



۱۶. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸)، آنومی یا آشفتگی اجتماعی: پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران، چ ۱، تهران: سروش.
۱۷. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله (۱۴۰۶)، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، ج ۱، چ ۱، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۱۸. سلیمی، علی (۱۳۸۸)، «رویکرد کارکردی به دین: تأملی در سنجه‌های دینداری از منظر آموزه‌های اسلامی»، دو فصلنامه اسلام و علوم اجتماعی، س ۱، ش ۱، ص ۱۱-۴۷.
۱۹. سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی کج‌روی (مجموعه مطالعات کج‌روی و کنترل اجتماعی: کتاب ۱)، ویراست ۲، چ ۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۰. سیدقطب (۱۴۱۲)، فی ظلال القرآن، ج ۳، چ ۱۷، بیروت/ قاهره: دارالشروق.
۲۱. شبر، سید عبدالله (۱۴۰۷)، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، مقدمه سید محمد بحر العلوم، ج ۵، چ ۱، کویت: مکتبة الألفین.
۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، چ ۵، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مقدمه محمد جواد بلاغی، ج ۱۰، چ ۳، تهران: ناصر خسرو.
۲۴. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (شیخ الطائفه) (۱۳۷۶ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، با مقدمه شیخ آغا بزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیر عاملی، ج ۱۰، چ ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. فضل‌الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹)، من وحی القرآن، ج ۲۴، چ ۲، بیروت: دارالملاک.
۲۶. کریمی، یوسف (۱۳۷۳)، روان‌شناسی اجتماعی، چ ۱، تهران: انتشارات بعثت.
۲۷. فیض‌کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۶)، تفسیر الصافی، ج ۵، چ ۲، تهران: مکتبه الصدر.
۲۸. فیضی دکنی، ابوالفضل (۱۴۱۷)، سواطع الالهام فی تفسیر القرآن، ج ۱ و ۴، چ ۱، قم: دارالمنار.
۲۹. قرشی سید علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، ج ۳، چ ۶، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷)، تفسیر احسن الحدیث، ج ۱، چ ۳، تهران: بنیاد بعثت.
۳۱. کاشانی، فتح‌الله (۱۳۳۶)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج ۱۰، چ ۱، تهران: علمی.
۳۲. کریمی، یوسف (۱۳۷۳)، روان‌شناسی اجتماعی، چ ۱، تهران: بعثت.
۳۳. محسنی تبریزی، علیرضا؛ علی سلیمی (۱۳۹۱)، «تحلیل محتوای کیفی قیاسی و بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی در علوم اجتماعی»، روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۸ (۷۲)، ص ۱۳۵-۱۵۸.
۳۴. مدرسی، سید محمد تقی (۱۴۱۹)، من هدی القرآن، ج ۱۰، چ ۱، تهران: دار محبب الحسین علیه السلام.

۳۵. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (بی‌تا)، دانشنامه چندرسانه‌ای جامع تفاسیر نور (نورالانوار ۳)، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.<sup>۱</sup>
۳۶. مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶)، معارف قرآن، چ ۴، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۳۷. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ۵، ۸، ۹، چ ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۸. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۸)، تلخیص التمهید، ج ۲، چ ۸، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۳۹. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴)، تفسیر الکاشف، ج ۱، چ ۱، تهران: دارالکتاب الاسلامی.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ج ۲۷، چ ۱، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۴۱. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۰۹)، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۳ و ۴، چ ۳، بیروت: مؤسسه اهل بیت (علیهم‌السلام).
۴۲. وایت، رابرت و فیونا هینز (۱۳۹۰)، جرم و جرم‌شناسی: متن درسی نظریه‌های جرم و کج‌روی، ترجمه علی سلیمی، چ ۴، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
43. Baumeister, Roy F., Kathleen D. Vohs (2007). *ENCYCLOPEDIA OF SOCIAL PSYCHOLOGY* (2 Vol. Set). Thousand Oaks, Calif: Sage Publications, Inc.
44. Becker, Howard S. (1963). *OUTSIDERS: STUDIES IN THE SOCIOLOGY OF DEVIANCE*. New York: McMillan Publishing Co, inc.
45. Berg, Bruce L. (2001). *QUALITATIVE RESEARCH METHODS FOR THE SOCIAL SCIENCES*. Boston: Allyn & Bacon.
46. Colvin, M., F.T. Cullen, T. Vander Ven (2002). 'Coercion, Social Support, and Crime: An Emerging Theoretical Consensus'. *Criminology* (40: 1). pp. 19-44.
47. Cho, Ji Young, Eun-Hee Lee (2014). 'Reducing Confusion about Grounded Theory and Qualitative Content Analysis: Similarities and Differences'. *The Qualitative Report* (19-64). pp. 1-20.
48. Clinard, Marshall B, Robert F. Meier (2010). *SOCIOLOGY OF DEVIANT BEHAVIOR* (14<sup>th</sup> ed). Belmont, CA.: Wadsworth Cengage Learning.
49. Darity, William A. Jr.(ed.) (2008). *INTERNATIONAL ENCYCLOPEDIA OF THE SOCIAL SCIENCES* (vol. 4, 2<sup>nd</sup> ed). Farmington Hills, MI: The Gale Group.
50. Downes, David M, Paul E. Rock (1998). *UNDERSTANDING DEVIANCE: A GUIDE TO SOCIOLOGY OF CRIME AND RULE-BREAKING* (3<sup>rd</sup> ed). U.S.A.: Oxford University Press.

۱. از منابع تفسیری تحقیق به کمک این نرم‌افزار، بهره گرفته‌ایم.

51. Ellis, Lee, Kevin M. Beaver, John Wright (2009). *HANDBOOK OF CRIME CORRELATES*. Oxford, Elsevier Inc.
52. Erickson, Kristan G, Robert Crosnoe, Sanford M. Dornbusch (2000). 'A Social Process Model of Adolescent Deviance: Combining Social Control and Differential Association Perspectives'. *Journal of Youth and Adolescence* (29: 4). Pp. 395-462.
53. Forman, Jane, Laura Damschroder (2008). 'Qualitative Content Analysis'. in Robert Baker & Wayne Shelton (eds.). *Emperical Methods for Bioethics: A Primer*. Oxford: Linacre House, Jordan Hill. pp. 39-62.
54. Hayward, Keith, Shadd Maruna, Jayne Mooney (eds.) (2010). *FIFTY KEY THINKERS IN CRIMINOLOGY* (Routledge Key Guides). Oxon: Routledge.
55. Holsti, Ole R. (1969). *CONTENT ANALYSIS FOR THE SOCIAL SCIENCES AND HUMANITIES*. Reading: MA, Addison-Wesley.
56. Krippendorff, Klaus H. (2004). *CONTENT ANALYSIS: AN INTRODUCTION TO ITS METHODOLOGY*. Thousand Oaks, Calif.: Sage Publications, Inc.
57. Kruglanski, Arie W., E. Tory Higgins (2007). *SOCIAL PSYCHOLOGY: HANDBOOK OF BASIC PRINCIPLES* (2<sup>nd</sup> ed). New York, NY: Division of Guilford Publications, Inc.
58. McLaughlin, Eugene, John Muncie (eds.) (2001). *SAGE DICTIONARY OF CRIMINOLOGY*. London, Sage Publications.
59. Miller, J. Mitchell (ed.) (2009). *21<sup>ST</sup> CENTURY CRIMINOLOGY: A REFERENCE HANDBOOK*. Thousand Oaks, Calif.: Sage Publications, Inc.
60. O'Brien, Martin & Majid Yar (2008). *CRIMINOLOGY: THE KEY CONCEPTS* (Routledge Key Guides). London: Routledge.
61. Ritzer, George (ed.) (2005). *ENCYCLOPEDIA OF SOCIAL THEORY* (Vol: 1-2). Thousand Oaks, Calif: Sage.
62. Ritzer, George (ed.) (2007). *THE BLACKWELL ENCYCLOPEDIA OF SOCIOLOGY*. Oxford, Blackwell.
63. Siegel, Larry J. (1998). *CRIMINOLOGY* (6<sup>th</sup> ed). Belmont, CA: Wadsworth.
64. Siegel, Larry J. (2011). *CRIMINOLOGY* (11<sup>th</sup> ed). Belmont, CA: Wadsworth.
65. Steffensmeier, Darrell, Dana Haynie (2000). 'Gender, Structural Disadvantage, and Urban Crime: Do Macrosocial Varibales also Explain Female Offending Rates?'. *Criminology* (2-38). pp. 403-438.

66. Turner, Bryan S. (ed.) (2006). *THE CAMBRIDGE DICTIONARY OF SOCIOLOGY*. Cambridge, Cambridge University Press.
67. Tierney, John J. (2009). *KEY PERSPECTIVES IN CRIMINOLOGY*. McGraw-Hill: Open University Press.
68. Ulmer, Jeffery T., Casey T. Harris, Darrell Steffensmeier (2012). 'Racial and Ethnic Disparities in Structural Disadvantage and Crime: White, Black, and Hispanic Comparisons'. *Social Science Quarterly* (3-93). pp. 799-819.
69. Vold, George B., Thomas J. Bernard, Jeffrey B. Snipes (1998). *THEORETICAL CRIMINOLOGY* (4<sup>th</sup> ed). Oxford: Oxford University Press.
70. White, Marilyn D., Emily E. Marsh (2006). 'Content Analysis: A Flexible Methodology'. *Library Trends* (1-55). PP. 22-45.
71. Wilson, Janet K. (ed.) (2009). *The Praeger Handbook of Victimology*. Santa Barbara, Calif.: Abc-Clio, Llc.